

# فلسفه نماز



وَأَقِمِ الصَّلَاةَ ۖ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفُحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ ۗ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ

سجاد سليماني

# فلسفه نماز

## سجاد سلیمانی

همچو نهر آب جاری پاک گرداند خطا \*\* گر بدانی "لَيْسَ لِإِنْسَانٍ إِلَّا مَا سَعَى "

در سحرگاهان ندای توبه را آغاز کن \*\* زیر لب نام خدا را با دلت دمساز کن

### فهرست

#### ۱\_مفهوم شناسی نماز

#### أ.لغة و اصطلاح

#### ۲\_نماز در قرآن

أ.ایاتی قرآن که مربوط به نماز است

ب.ایاتی که به اوقات نماز اشاره دارند

ت.ایاتی که با ذکر دلیل، امر به برپاداشتن نماز می کنند

ج.ایاتی که به احکام نماز مسافر و نماز در هنگام جنگ اشاره می کنند

#### ۳\_نماز در روایات

أ.أرزش و اهمیت نماز در روایات

ب.احادیث ۱\_۲۰ از معصومین (ع)

## ۴\_فلسفه نماز

- إ. در سیره امام خمینی
- ب. در سیره مقام معظم رهبری (ح)
- ت. در سیره شیخ زکزاکی (ح)
- ج. از دیدگاه شهید مطهری (ر)

## ۵\_داستان های دلسوزی و تقوی درباره نماز

دستان ۱ \_ ۳۰

## ۶\_منابع

نماز آرام جان مومنین است \*\* کلید مشکلات این زمین است

## **مقدمه**

بسم الله الرحمن الرحيم  
خدايا بر محمد و آل محمد درود فرست و در عجله آنان (عليهم السلام) تعجیل فرما.

### ● سپاس و قدردانی

از ابتدا نمی دانم از جناب احمد ماشی، سید احمد اهل الکسائی که تایید انجام این کار کردند با چه کلمه ای تشکر کنم.

همینطور آقا طاهر غورزو (مربی فرزندان شیخ زکزاکی)

### ● مقدمه

اگر نگاه کنید این روزها دیگران و به خصوص برخی از جوانان ما چگونه نماز می خوانند، شما را بسیار عصبانی می کند!

و چون بسیاری از آنها یا نمی دانند فلسفه نماز چیست و یا می دانند اما فراموش کرده اند .

پس با این کار کوتاه امیدوارم کسانی که فلسفه نماز را نمی دانند بدانند. و یاد کسانی باشد که می دانند ولی فراموش کرده اند، زیرا انسان نیازمند ذکر است که خداوند متعال فرموده است. (و بهره مؤمنان را یاد کن).

امیدوارم به بسیاری از مردم، خودم، درباره فلسفه نماز، همانطور که در این کتاب کوچک من بحث خواهد شد، یادآوری کنم.

و با این گفتار کوتاه پایان می دهم که امیدوارم انشاء الله از آن بهره مند شویم «نماز به ما داده شد که از نگرانی هایمان کاسته شود، نه برای اینکه نگران مان کند».

## ● فصل اول (۱)

### (۱) مفهوم شناسی نماز

أ\_ تعریف در لغت : صلاة در لغت به معنای آتش افروختن ، دعا ، تبریک و تمجید است. و در اصطلاح ، عبادت مخصوص مسلمانان است که دارای اجزاء ، اعمال ، شرایط و احکام و فلسفه خاصی است .

کلید آسمانها در نماز است \*\* بدان معراج ما اندر نیاز است

## ● فصل دوم (۲)

### (۲) نماز در قرآن

بسم الله الرحمن الرحيم

نماز در تمام ادیان الهی به عنوان برترین آیین عبادی و رکن معنویت و ارتباط با خداوند مطرح بوده است. در قرآن مجید آیات زیادی درباره نماز بیان شده و هر کدام از آن‌ها بیانگر اهمیت و ارزش خاص و جایگاه رفیع این عبادت مهم در پیشگاه خداوند است و آیات مربوط به نماز هر کدام تفسیر و پیام خاصی دارد. بعضی از آن‌ها به اهمیت بعد معنوی و ملکوتی نماز پرداخته و برخی از آیات نماز را مایه آرامش دل‌ها دانسته و تعدادی، نماز را عامل بازدارنده از رشتی و پلیدی معرفی نموده و بخشی دیگر نیز به

بررسی نماز در ادیان گذشته و همراهی آن با عبادات دیگر از قبیل حج، جهاد، زکات و عدالت اجتماعی پرداخته است.

آیاتی که درباره نماز آمده است، بسیارند. در قرآن کریم، واژه صلاه، بیش از ۹۰ مرتبه به طور مستقیم، یا با مشتقاش به کار رفته و چیزی حدود ۹۰۰ مرتبه، واژه‌ها و کلماتی که با اصل نماز مرتبط هستند، مانند واژه رکوع، سجده، ذکر، وضو، عبادت، مسجد و ...، به کار رفته است. بر این اساس می‌توان گفت که تقریباً یک ششم از آیات قرآن به نماز و موضوعات مربوط به آن پرداخته است که بر رکن بودن این عبادت بالارزش، صحه می‌گذارد. و دقیقاً به همین علت است که احکام نماز و موضوعات مربوط به آن نیز به طور ویژه، در آیات قرآن مورد اشاره قرار گرفته است. موضوعاتی مانند وجوب نماز، اوقات خواندن نماز، آثار خواندن نماز، آداب اقامه آن، احکام نماز و نمازگزاران، نماز مسافر و ... که در ذیل به برخی از آنها خواهیم پرداخت.

## أ\_ آیات قرآن که مربوط به نماز است

آیه ۱۰۳ سوره نساء

«فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَى جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَתُمْ فَاقْمِمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْفُوتًا»؛ پس آن‌گاه که از نماز فراغت یافتد باز در همه احوال، ایستاده یا نشسته یا بر پهلو خفته (در هر حال که توانید) یاد خدا کنید، سپس که (از آسیب دشمن) ایمن شدید در این حال نماز (کامل) به جای آرید، که برای اهل ایمان، حکمی معین و واجب و لازم است. آیه سوره بقره «وَأَقِمُوا الصَّلَاةَ وَأَتُوا الزَّكَاهَ وَارْكُعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ»<sup>۱</sup>؛ نماز به پا دارید و زکات بدھید و با خدای پرستان حق را پرست کنید.

<sup>۱</sup> آیاتی هستند که درباره ای اوقات خواندن نماز و زمان وجوب آن راهنمایی می‌کنند. آیاتی مانند:

آیات ۷۸ و ۷۹ سوره اسراء

«أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا\* وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّذْ بِهِ تَأْفِلَهُ لَكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَحْمُودًا»؛ نماز را وقت زوال آفتاب تا اول تاریکی شب به پا دار (یعنی نماز ظهرين را از اول ظهر و نماز عشائين را از بدو تاریکی شب به پا دار) و نماز صبح را نیز

---

به جای آر که آن نماز به حقیقت مشهود (نظر فرشتگان شب و فرشتگان روز) است.\* و بعضی از شب را به خواندن قرآن (در نماز) بیدار و متوجه باش، که نماز شب خاص توتُست، باشد که خدایت تو را به مقام محمود (شفاعت کبری) مبعوث گرداند.

تفسیر آیه: دلوک، یعنی زوال و دلوک شمس، هنگام اول ظهر و زوال آفتاب است غسق اللیل، یعنی هنگام پدید آمدن تاریکی شب که مطابق روایت به نیمه شب اطلاق می شود، بر این اساس، این آیه شریفه از اول ظهر تا نصفه شب را شامل می شود و نماز های واجب این بازه زمانی شامل نماز ظهر، عصر، مغرب و عشاء است و با کلمه قرآن الفجر، که ناظر به نماز صبح است نماز های واجب یومیه (نماز های پنجگانه) کامل می شود. پس این آیه ناظر به مشخص کردن حدود اوقات شرعی نماز های یومیه می باشد.

#### آیه ۱۱۴ سوره هود

«وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِ النَّهَارِ وَرُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُدْهِنُ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرٌ لِلَّذِاكِرِينَ»؛ و نماز را در دو طرف (اول و آخر) روز به پا دار و نیز در ساعت آغازین شب، که البتہ حسنات و نیکوکاریها، سیئات و بدکاریها را نابود می سازد، این (نماز یا این سخن که حسنات شما سیئات را محو می کند) یادآوری است برای اهل ذکر و پندی برای مردم آگاه است.

تفسیر آیه: دو طرف روز، به معنای صبح و عصر است و منظور از (زلفا من اللیل)، ساعاتی از شب است که نزدیکتر به روز باشد. یعنی خداوند می فرماید: نماز را در هنگام صبح و عصر و نیز در ساعتی از شب که نزدیکتر به روز باشد، به پا دار و این ساعت مورد نظر، با نماز صبح و عصر (که هر یک در طرفی از ظهر قرار دارند) و نیز نماز مغرب که وقت اقامه‌ی آن، ساعت اولیه شب است، مطابقت دارد. در هر حال، منظور آیه، نماز های واجب یومیه است، آنگاه می فرماید: همانا نیکیها، سیئات و بدیها را حبط و زایل می کنند، به این معنی که نماز های یومیه، حسناتی هستند که آثار گناهان و معاصی را از

بین می برند، و آنچه ذکر شد، یادآوری و تذکری است برای کسانی که دائماً به ذکر خداوند متعال مشغول هستند.

### آیه ۱۳۰ سوره طه

«فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَيَّخْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ عُرُوبِهَا \* وَمِنْ آنَاءِ اللَّيلِ فَسَيَّخْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَكَ تَرْضَى»؛ پس تو بر آنچه (امت جاهل بر انکار و طعن تو) می‌گویند صبر و تحمل پیش گیر و خدای را پیش از طلوع خورشید و بعد از غروب آن و ساعاتی از شب تار و اطراف روز روشن ستایش و تسبيح گو، باشد که (به مقام رفيع شفاعت) خشنود شوی.

### آیه ۴۹ و ۵۰ سوره قاف

«فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَيَّخْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ \* وَمِنَ اللَّيلِ فَسَيَّخْهُ وَأَدْبَارَ السُّجُودِ»؛ پس تو (ای رسول) بر آنچه می‌گویند (و می‌کنند از آزار و تکذیب) صبر کن (تا ما آنها را کیفر دهیم) و به حمد و ستایش خدایت تسبيح گو پیش از طلوع خورشید (به نماز صبح) و پیش از غروب آن (به نماز ظهر و عصر).\* و باز برخی از شب را (به نماز مغرب و عشاء) و هم در پی سجده‌ها به تسبيح خدا بپرداز.

و مراد از تسبيح قبل از طلوع آفتاب می‌تواند بر نماز صبح منطبق باشد و تسبيح قبل از غروب نيز، منطبق بر نماز عصر و يا نماز ظهر و عصر می باشد و ادامه‌ی آيه که در آن رسول الله را امر به تسبيح گويي در بخشی از شب می نماید، می‌تواند با نمازهای مغرب و عشاء منطبق باشد. و (ادبار سجود) يعني پس از سجود و از آنجاييکه سجده، آخرين قسمت در هر ركعت از نماز است، احتمالاً منظور از آن، اقامه ی نافله‌ها و يا تعقيبات نمازهای يوميه و يا نماز وتر در نافله شب می باشد.

### آيات ۴۸ و ۴۹ سوره طور

«وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَسَيَّخْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تُقْوَمُ \* وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَيَّحْهُ وَإِذْبَارَ النُّجُومِ»؛ باری بر حکم خدا صبر کن که تو منظور نظر مایی. و چون برخیزی (به نماز یا هر کاری) به ستایش خدای خود تسیح گوی.\* و از شبانگاه هم پاره‌ای به تسیح خدا پرداز و هنگام فرو رفتن ستارگان هم (به نماز صبح) تسیح خدا گوی.

### آیه ۳ سوره بقره

«الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ»؛ آن کسانی که به جهان غیب ایمان آرند و نماز به پا دارند و از هر چه روزیشان کردیم به فقیران انفاق کنند

### آیه ۷۱ سوره توبه

«وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمَنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلَيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الرِّزْكَاهَ وَيُطْبِعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيِّرْ حَمْهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»؛ و مردان و زنان مؤمن همه یاور و دوستدار یکدیگرند، خلق را به کار نیکو و ادار و از کار رشت منع می‌کنند و نماز به پا می‌دارند و زکات می‌دهند و حکم خدا و رسول او را اطاعت می‌کنند، آنان را البته خدا مشمول رحمت خود خواهد گردانید، که خدا صاحب اقتدار و درست کردار است.

### آیه ۹ و ۱۰ سوره مؤمنون

«وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَواتِهِمْ يُحَافِظُونَ أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ»؛ و آنان که بر نماز هاشان (و همه اوقات و شرایط ظاهر و باطن نماز) محافظت دارند.\* چنین کسانی وارث (مقام عالی بهشت) اند.

تفسیر آیه: در این آیه آخرین ویژگی مؤمنان را که محافظت بر نماز هاست بیان کرده، می‌گوید: «و آنها بر نمازشان مواظبت می‌نمایند» (وَ الَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَواتِهِمْ يُحَافِظُونَ).

جالب این که: نخستین ویژگی مؤمنان را «خشوع در نماز» و آخرين صفت آنها را «محافظت بر نماز» شمرده است، از نماز شروع می‌شود و به نماز ختم می‌گردد چرا که نماز مهمترین رابطه خلق و خالق است که هر گاه با آدابش انجام گیرد زمینه مطمئنی برای همه خوبیها و نیکیها خواهد بود.

## آیه ۱ و ۲ سوره مؤمنون

«فَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ \* الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ حَاسِعُونَ»؛ همانا اهل ایمان به فیروزی و رستگاری رسیدند.\* آنان که در نماز خود خاضع و خاشعند.

تفسیر آیه: در آیه اول، مؤمنین را به رستگاری بشارت می‌دهد و سپس به بیان صفات آنها پرداخته و قبل از هر خصیصه ای، انگشت تأکید روی نماز گذاشته، می‌گوید: «آنها که در نمازشان خشوع دارند» (الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ حَاسِعُونَ).

اشاره به این که نماز مؤمنین، صرفاً الفاظ و حرکاتی بی‌روح و فقد معنی و از سر عادت نیست، بلکه به هنگام نماز آن چنان حالت توجه به پروردگار و حضور قلب در آنها پیدا می‌شود که از هرچه غیر اوست، جدا می‌گردند و به او می‌پیوندند.

در روایتی می‌خوانیم که پیامبر صلوات الله مردی را دید که در حال نماز با ریش خود بازی می‌کند، فرمود: «اگر او در قلبش خشوع بود اعضای بدنش نیز خاشع می‌شد». اشاره به این که خشوع یک حالت درونی است که در برون اثر می‌گذارد.

## آیات ۲۲ تا ۲۸ سوره معارج

«إِلَّا الْمُصَلِّيُّنَ {۲۲} الَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ {۲۳} وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ {۲۴} لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومُ {۲۵} وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ {۲۶} وَالَّذِينَ هُمْ مِنْ عَدَابِ رَبِّهِمْ مُشْنُفُونَ {۲۷} إِنَّ عَدَابَ رَبِّهِمْ غَيْرُ مَأْمُونٍ {۲۸}»؛ مگر نماز گزاران حقیقی. (۲۲) آنان که دائم در نماز (و طاعت الهی) عمر گذراند.

(۲۳) و آنان که در مال و دایی خود حقیقی معین و معلوم گردانند. (۲۴) تا به فقیران سائل و فقیران آبرومند محروم رسانند. (۲۵) و آنان که روز قیامت و جزا را تصدیق کنند. (۲۶) و آنان که از قهر و عذاب خدای خویش سخت ترسانند. (۲۷) که از عذاب خدا هیچ کس ایمن نتواند بود. (۲۸)

### ت\_ آیاتی که با ذکر دلیل، امر به برپا داشتن نماز می کنند

۱. آیه ۴۵ سوره عنکبوت: «إِنَّمَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِيمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفُحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ ۚ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ ۖ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ»؛ (ای رسول ما) آنچه را که از کتاب (آسمانی قرآن) بر تو وحی شد (بر خلق) تلاوت کن و نماز را (که بزرگ عبادت خداست) به جای آر، که همانا نماز است که (اهل نماز را) از هر کار زشت و منکر باز می دارد و همانا ذکر خدا بزرگتر (و برتر از حد اندیشه خلق) است، و خدا به هر چه (برای خشنودی او و به یاد او) کنید آگاه است.

۲. آیه ۱۴ سوره طه: «إِنَّنِي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِيمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»؛ منم خدای یکتا که هیچ خدایی جز من نیست، پس مرا (به یگانگی) بپرست و نماز را مخصوصا برای یاد من به پادر.

۳. آیه ۹ سوره جمعه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِي لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْتَعْوِدُوا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَدَرُّوا الْبَيْعَ ۚ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، هر گاه (شما را) برای نماز روز جمعه بخوانند فی الحال به ذکر خدا بشتابید و کسب و تجارت را رها کنید که این، اگر بدانید برای شما بهتر خواهد بود.

تفسیر بخشی از آیه: منظور از «ذکر الله» در درجه اول «نماز» است، ولی می دانیم خطبه های نماز جمعه هم که آمیخته با ذکر خداست، در حقیقت بخشی از فریضه ای عبادی نماز جمعه است، بنابراین باید برای شرکت در آن نیز تسريع کرد.

۴. آیه ۷۷ سوره حج: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكُعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعُلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٧﴾»؛ ای اهل ایمان، در برابر خدا رکوع و سجود آرید و (با توجه و بیریا و خالص) پروردگار خود را پرستید و کار نیکو کنید، باشد که رستگار شوید.

۵. آیه ۹۸ سوره حجر: «فَسَيِّدُنَا مُحَمَّدُ رَبُّكَ وَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ»؛ پس به ذکر اوصاف کمال پروردگارت تسبيح گو و از نمازگزاران باش (تا به یاد خدا شاد خاطر شوی).

---

٦. آیه ٤٣ سوره بقره: «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكُعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ»؛ و نماز به پا دارید و زکات بدهید و با خدا پرستان حق را پرستش کنید. (ستاد اقامت نماز)

نماز درخ آن ابروان محرابی \*\*\* کسی کند که به خون جگر طهارت کرد

---

## فصل سوم (۳)

### ● نماز در روایات

(پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ) امت من چهار گروه هستند:

۱ \_ گروهی نماز می خوانند، ولی در نمازشان سهل انگارند «ویل» برای آنهاست، و «ویل» نام یکی از طبقات زیرین جهنم است، خداوند فرمود: (فویل للمصلین الذينهم عن صلاتهم ساهون) ماعون <sup>۴</sup> و <sup>۵</sup>\* پس «ویل» برای نمازگزاران است، آنهای که در نمازشان سهل انگارند.

---

۲\_ گروهی گاهی نماز می خوانند و گاهی نمی خوانند، پس «غی» مال آنهاست، و «غی» نام یکی از طبقات پایین جهنم است. خداوند متعال فرمود: (فَخُلِّفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسُوفَ يُلْقَوْنَ غَيًّا) سپس جانشین آن مردم خدایپرست قومی شدند که نماز را ضایع کرده و از شهوت‌های پیروی کردند، و اینها به زودی در «غی» افکنده خواهند شد.

۳ \_ گروهی هیچ وقت نماز نمی خوانند، «سقر» برای آنهاست، «سقر» هم نام یکی از طبقات زیرین جهنم است که خداوند متعال فرمود: (مَا سَلَكْتُكُمْ فِي سَقْرٍ قَالُوا لَمْ نَكُنْ مِنَ الْمُصْلِحِينَ) مدثر ۴۲. (اَهْلُ بَهْشَتٍ اَهْلُ جَهَنَّمَ سَئُولَ مَنْ كَنَّدَ) چه چیزی شما را به «سقر» کشاند؟ در جواب می گویند : ما از نمازگزاران نبودیم.

۴\_ گروهی همیشه نماز می خوانند، و در نمازشان خشوع دارند. خداوند متعال فرمود: (قد افلح المؤمنون الذين هم في صلاتهم خاشعون) مؤمنون ۱ و ۲ . مؤمنان رستگار شدند، آنهایی که در نمازشان با خشوع هستند.

## ۱\_ حدیث اول: اهمیت نماز

قال رسول الله صلى الله عليه و آله:

اول ما افترض الله على امتى الصلوات الخمس، و اول ما يرفع من اعمالهم الصلوات الخمس، و اول ما يسألون عنه الصلوات الخمس. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: (نخستین چیزی که خداوند بر

---

امت من واجب کرد نماز های پنجمگانه است، و نخستین عملی که از آنان بالا برده می شود، و از آنان

سؤال می شود همان نماز است) کنز العمل، ج ۷، ح ۱۸۸۵۹

## 2\_ حدیث دوم: نماز و پایه های دین

عن ابی جعفر علیه السلام قال: (بنی الاسلام علی خمسة اشياء: الصلاة، و الزکوة و الحج و الصوم و الولاية) امام باقر علیه السلام فرمود: اسلام بر پنج چیز بنا شده است: نماز، زکات، حج، روزه و ولایت اهل بیت علیهم السلام) بحار، ج ۸۲، ص ۲۳۴.

## 3\_ حدیث سوم: مثل نماز

عن ابی جعفر علیه السلام قال: (الصلاۃ عمود الدین، مثلها کمثیل عمود الفسطاط اذا ثبت العمود ثبتت الاوتاد الاطناب، و اذا مال العمود و انكسر لم یثبت وتد و لا طنب) امام باقر علیه السلام فرمود: نماز ستون دین است، مثل آن همانند ستون خیمه است که وقتی استوار باشد میخها و طنابها پا بر جاست، و هرگاه ستون آن کج و شکسته شود هیچکدام از آنها استوار نمی مانند) بحار، ج ۸۲، ص ۲۱۸

## 4\_ حدیث چهارم: نماز موجب رستگاری

---

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: (خمس صلوات من حافظ علیهن كانت له نورا و برهانا و نجاة يوم القيمة) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که بر نماز های پنجمگانه محافظت و مراقبت نماید این نمازها برای او در قیامت، نور و وسیله نجات او خواهد بود) کنز العمل، ج ۷، حدیث ۱۸۸۶۲

## 5\_حدیث پنجم : نماز و نورانیت قلب

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: (صلاة الرجل نور في قلبه فمن شاء منكم فلينور قلبه) رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: نماز هر کس، نوری در دل اوست، پس هر کس خواست، قلبش را نورانی کند) کنز العمل، ج ۷، حدیث ۱۸۹۷۳

## 6\_حدیث ششم : نماز ملاک قبولی اعمال

قال الصادق علیه السلام: (اول ما يحاسب به العبد الصلاة، فان قبلت قبلسائر عمله، و اذا ردت رد عليه سائر عمله) امام صادق علیه السلام فرمود: نخستین چیزی که از بنده حسابرسی می شود نماز است، پس اگر نماز پذیرفته شد اعمال دیگر ش نیز پذیرفته می شود، چنانچه نمازش رد شود بقیه اعمال او هم قبول نخواهد شد) وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۲

## 7\_حدیث هفتم : نماز و روشن انبیاء

---

قال رسول الله صلى الله عليه و آله: (الصلاه من شرائع الدين، و فيها مرضاه رب عز و جل، فهى منهاج الانبياء) پیامبر گرامی صلى الله عليه و آله فرمود: نماز از آداب (اولیه) دین است، و آن مایه خشنودی خدا، و راه و روش پیامبران الهی است ) بحار، ج ۸۲، ۲۳۱

## 8\_حیث هشتم : نماز پرچم اسلام

قال رسول الله صلى الله عليه و آله: (علم الاسلام الصلاه، فمن فرغ لها قلبه و حافظ عليها بحدها و وقتها و سنهها فهو مؤمن ) رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: نماز، پرچم اسلام است، مؤمن واقعی، کسی است که دل به آن دهد و مراقب حدود و آداب و وقت آن باشد) کنز العمل، ج ۷، حیث ۱۸۸۷۰

## 9\_حیث نهم : نماز و کارائی آن

قال الصادق عليه السلام:(ان ملك الموت يدفع الشيطان عن المحافظ على الصلاة و يلقنه شهادة ان لا اله الا الله، و ان محمدا رسول الله في تلك الحالة العظيمة) امام صادق عليه السلام فرمود: فرشته مرگ، شیطان را از کسی که مراقب نماز است دور می کند، و شهادت بر وحدانيت خدا، و رسالت پیامبر را در هنگام هولناک مرگ به او تلقین می کند) وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۱۹

## 10\_حیث دهم : نماز و فرزندان

---

قال الباقر عليه السلام: (انا نأمر صبياننا بالصلاحة اذا كانوا بنى خمس سنين، فمروا صبيانكم بالصلاحة اذا كانوا بنى سبع سنين) امام باقر عليه السلام فرمود: هنگامی که فرزندان ما پنج ساله شدند دستور می دهیم نماز بخوانند، پس شما هم وقتی فرزندانتان به هفت سالگی رسیدند آنها را به نماز دستور دهید) وسائل

الشیعه، ج ۳، ص ۱۲

## 11\_ حدیث یازدهم

قال الصادق عليه السلام: (صلاة فريضة خير من عشرين حجة و حجة خير من بيت مملو ذهبا يتصدق منه حتى يفني او حتى لا يبقي منه شيء) امام صادق عليه السلام فرمود: یک نماز واجب از بیست حج بهتر است، و یک حج از صدقه دادن خانه ای پر از طلا بهتر است، آنگونه که آن را صدقه دهند تا آنکه چیزی در آن نماند) بحار، ج ۸۲، ۲۲۷

## 12\_ حدیثدوازدهم (۱۲)

قال امير المؤمنین عليه السلام: (اوصيكم بالصلاحة و حفظها، فانها خير العمل و هي عمود دينكم) امير المؤمنین عليه السلام فرمود: شما را به نماز و مراقبت از آن سفارش می کنم چونکه نماز برترین عمل و ستون دین شماست) بحار، ج ۸۲، ص ۲۰۹

## حدیث سیزدهم (۱۳) اهمیت نماز

---

قال النبي صلی الله علیه و آله: (ما من صلاة يحضر وقتها الا نادى ملك بين يدي الناس (ایها الناس) قوموا الى نیرانکم التي اوقتنموها علي ظهورکم فاطفوها بصلاتکم) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هیچ گاه وقت نماز نمی رسد مگر اینکه فرشته ای در میان مردم ندا می دهد که: ای مردم پیاخیزید و با نماز خود آتشهائی را که برافروخته اید خاموش کنید) بحار، ج ۸۲، ص ۲۰۹

### حدیث چهاردهم (۱۴) برکات نماز

قال علی علیه السلام: (ان الانسان اذا كان فى الصلاة فان جسده و ثيابه و كل شئ حوله يسبح) علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود: هنگامی که انسان مشغول نماز است بدن و لباس و هر چه پیرامون اوست خدا را تسبیح می گویند ) بحار، ج ۸۲، ص ۲۱۳

### حدیث پانزدهم(۱۵) جایگاه نماز

قال رسول الله صلی الله علیه و آله:(موقع الصلاة من الدين كموقع الرأس من الجسد) رسول گرامی صلی الله علیه و آله فرمود: جایگاه نماز در دین همانند سر است نسبت به بدن) کنز العمال، ج ۷، حدیث ۱۸۹۷۲ (ستاد اقامت نماز شهرکرد)

به خدا خبر ندارم چو نماز می گزارم \*\* که تمام شد رکوعی که امام شد فلانی

## فلسفه نماز

نماز مست شریعت روا نمی‌دارد\*\* نماز من که پذیرد که روز و شب مستم

گرچه نماز چیزی نیست که فلسفه اش بر کسی مخفی باشد، ولی دقت در متون آیات و روایات اسلامی ما را به نکات بیشتری در این زمینه رهنمون می‌گردد:

- ۱ - نماز ذکرالله اکبر است ۲ - نماز پاک کننده گناهان ۳ - نماز سدی در برابر گناهان ۴ - نماز غلت را از بین می‌برد ۵ - نماز کبر را از بین می‌برد ۶ - نماز پرورش دهنده فضائل اخلاقی ۷ - نماز با ارزش کننده اعمال انسان ۸ - نماز دعوت کننده به پاکسازی ۹ - نماز کامل عامل مؤثر برای ترک بسیاری از گناهان ۱۰ - نماز تقویت کننده روح انضباط ۱۱ - برطرف شدن گرفتاری و ناراحتی ۱۲ - ورود به بهشت و دوری از سفر ۱۳ - خوشنودی خداوند ۱۴ - استجابات و بالا رفتن اعمال ۱۵ - دوری شیطان و تلقین شهادتین ۱۶ - ارتباط به معصومین و صاحب آزلمان (عج)

### أ فلسفه نماز در سیره امام خمینی

#### ۱. نماز و توحید

امام خمینی(ره) نماز را مظهر کامل توحید می‌دانست. به باور ایشان:

قیام نشانه توحید افعالی است،

ركوع بيانگر توحيد صفاتي است،

و سجود اوج توحيد ذاتي است.

#### ۲. نماز؛ معراج مؤمن

امام، نماز را «معراج مؤمن» معرفی می‌کرد. حقیقت نماز رسیدن به مقام قرب الهی است؛ و این جز با حضور قلب، خضوع و معرفت حاصل نمی‌شود.

### ۳. سفر روحانی و اسرار نماز

از دیدگاه ایشان، نماز تنها حرکات ظاهری نیست بلکه سفری عرفانی و باطنی است که سالک را از کثرت به وحدت می‌رساند.

### ۴. نماز؛ داروی گناهان

امام خمینی نماز را داروی همه بیماری‌های روحی و اخلاقی می‌دانست و تأکید می‌کرد که ترک نماز، انسان را از سعادت ابدی محروم می‌سازد.

### ۵. نماز؛ برترین عبادت

به باور ایشان، نماز جامعترین و برترین عبادت است و کلید رحمت و رضوان الهی به شمار می‌رود.

### ۶. ظاهر و باطن نماز

نماز دارای ظاهر (احکام و اعمال شرعی) و باطن (خشوع، ذکر قلبی و قرب معنوی) است. امام خمینی بر اهمیت هر دو بُعد تأکید داشت و نماز حقیقی را پیوند این دو می‌دانست.

منبع: آثار و بیانات امام خمینی درباره اسرار و فلسفه نماز (کتاب «سرّ الصلاة»، «آداب الصلاة» و وصایا).

## فلسفه نماز در سیره مقام معظم رهبری

مقام معظم رهبری همواره بر اهمیت نماز تأکید می‌کند و بخصوص قشر جوان را بر انجام این فریضه‌ی الهی توصیه می‌نمایند.

ایشان با بیان اینکه نماز نشانه حکومت الهی است، می‌گویند: «اقامه نماز در کشوری که پرچم اسلام را برافراشته و به حاکمیت اسلام مفتخر است، یکی از واجبات فرایض می‌باشد، زیرا همه هدف‌های یک جامعه نیکبخت در صورتی تأمین خواهد شد که تربیت فردی و تهذیب اخلاقی در آحاد مردم و به ویژه در کارگزاران امور کشور تامین شود.» ایشان اهمیت اقامه نماز در سطح جمعی و همگانی آن را در واقع بدان جهت می‌دانند که فریضه نماز می‌تواند با نقش عظیم خود در تهذیب اخلاقی و تعالی روحی و معنوی افراد جامعه بخصوص کارگزاران مملکتی پایه استواری برای پیشبرد اهداف والای نظام الهی به شمار آید.» مقام معظم رهبری درباره اینکه نماز رابط بین انسان و پروردگار است اینگونه بیان کرده‌اند: «باید

گفت که نماز معبر اصلی برای سلوک انسان در راهی است که ادیان الهی در برابر آدمی نهاده اند تا بتوانند از آن به هدف غایت اصلی حیات یعنی رستگاری و خوشبختی دنیا و آخرت دست یابد؛ نماز اولین قدم سلوک الهی الله است، ولی ظرفیت این عامل الهی به اندازه‌ای است که در اوج کمال بشری نیز می‌تواند بال پرواز انسان به عرش شود.»

نماز واقعی و درست از نظر آیت الله خامنه‌ای نمازی است که از ذکر و یاد خدا سرهشار باشد، نمازی که در آن آدمی با خدای خود سخن می‌گوید و به او دل می‌سپارد، نمازی که والاتری معارف اسلام را پیوسته به انسان می‌آموزد، چنین نمازی انسان را از پوچی و بی‌هدفی و ضعف می‌رهاند و افق زندگی را در چشم روشن می‌سازد و به او همت و اراده و هدف می‌بخشد و دل او را از میل به کجری و گناه پستی نجات می‌دهد. نماز بی‌ذکر حضور کالبدی بی‌روح است که اگر چه نام نماز برآن مجاز نیست لیکن اثر و خاصیت نماز نیز از آن متزقب نیست. روح نماز چیزی جز تصریع و خشوع نیست و این بزرگترین درس انسان سازی است چرا که کبر و خود بزرگ بینی را که بزرگترین و مهلكت‌رین آفات بشری اند از انسان دور می‌نمایند و آرامش را نثار وجود انسان کرده و دل‌ها را افتادگی و فروتنی می‌بخشد.

## فلسفه نماز در سیره شیخ زکزاکی (ح)

نغمه الله اکبر چون شنیدی زود باش \*\* سوی دریای محبت پاک همچون رود باش

معروفترین چیزی در زندگی طلبه های امام خمینی (ق) نماز است . امام علی (ع) فرمودند : دنیا برای اولیاء خدا محل تجارت است

شیخ مولانا زکزاکی (ح) همین صفت از صفت های طلبه های امام داره . شیخ فرمود: (اگر کسی از من بپرسد که چه چیزی مرا در زندگی شادر می کند، نماز را پاسخ می دهم). شیخ فرمود: (اگر آن ظالم ها بدانند که نماز چقدر مرا شادر می کند، بهترین بدرفتاری که با ما می کنند این است که ما را از نماز باز دارند)

---

هنگام انجام تفسیر قرآن به آیه می‌رسد ( إن الصلاة تنهى عن الفحشاء و المنكر ) همچنین فرمود: اگر می‌خواهی بدانی که خداوند نماز تو را می‌پذیرد یا نه ؟ بعد نگاه کن و از خودت بپرس آیا هنوز مرتكب فحشه و منکر هستی ؟ اگر بله، به این معنی است که خداوند نماز شما را نمی‌پذیرد یا شما نماز را آن طور که هست انجام نمی‌دهید. زیرا خداوند نمی‌فرماید که نماز مانع از فحشه و منکر می‌شود و شما آن را در حالی انجام می‌دهید که ادعا می‌کنید دارید نماز می‌کنید.

گر بخواهی یاد تو باشد خداوند وَدُود \*\* یاد کن نام خدا را در رکوع و در سجود

همانطور که از جناب طاهر شنیدم یکی از نزدیکترین شاگردان مولانا شیخ زکری (رضوان الله تعالى علیه) و استاد فرزندان شیخ زکریا کی که شهید شدند. این اتفاق افتاد وقتی شیخ زکریا کی در حسینیه خود برای شیعیان نیجریه تفسیر قرآن می‌کند، به قول الله می‌رسد. ( إن الصلاة كانت على المؤمنين كتاباً موقوتاً ) و فعلًا در آن زمان نماز فرا رسید. شیخ فعلًا در آن زمان تفسیر را متوقف کرد و گفت: برویم نماز بخوانیم. همچنین هنگامی که مردم از داخل و خارج از کشور برای زیارت او می‌آیند، هنگامی که وقت نماز فرا می‌رسد، هر کاری را که انجام می‌دهد متوقف می‌کند و آنها را به نماز می‌برد. حتی اهل سنت که او را ملاقات می‌کردند، چنین می‌گویند . همچنین زمانی اتفاق افتاد که بچه‌ها در سمینار C.I.V.C دور او جمع شدند و او از داستان پسری در ایران گفت تا آنها را به آنچه که مربوط به نماز است تشویق کند. ایشان در این باره گفت: در ایران این اتفاق افتاده است که پسر جوانی که با مادربزرگش زندگی می‌کرد، هر لحظه از مادربزرگش یا وقتی اتفاقی می‌افتداد، یا صاحب زمان می‌شنید. صاحب الزمان کیست؟ پسر پرسید: ایشان امام و یاور ماست، او کمک می‌کند و اگر او را آلوت صدا کنی به تو کمک می‌کند. یک روز پسر به سفر رفته است . و همچنین در آن سفر عالمی است که می‌دانست آیا عالم دیگری در ماشین هست که نزدیک او بشیند و درباره دین بحث کند و سفر خوبی داشته باشد. وقتی هیچ عالمی را نمی‌بیند نزدیک پسر می‌نشیند و مانند پسری که همه چیز را نمی‌داد به او نگاه می‌کند، زیرا قصدش این است که نزدیک یک عالم بشیند و در مورد مسائل دینی بحث کند. در سفر پسر شروع به نگاه کردن به ساعت کرد و به راننده گفت که در حال حاضر وقت نماز است. راننده بدش نمی‌داند پسر بارها و بارها به راننده می‌گوید اما باز هم مشکلی ندارد. اگر ماشین را متوقف نکنی من همین الان از پنجه بیرون می‌پرم! و سپس راننده ماشین را متوقف کرد. با علم به این که اگر پسر از پنجه بپردم ممکن است با زخم های زیادی رویرو شود و عواقب آن را دریافت کند. عالم به راننده می‌گوید که بایستد زیرا وقت نماز است و پسر نیز مشتاق نماز است. ماشین را پارک کردن و عالم آنها را به نماز می‌برد. بعد از بازگشت به داخل ماشین، عالم از پسر در مورد داستانش پرسید و پسر به دانشور چنین گفت: او داستان را به شرح زیر بیان کرد: این اتفاق چند سال پیش افتاده است من با مادربزرگم زندگی می‌کنم و هر لحظه یا اتفاقی از او می‌شنیدم یا صاحب زمان. صاحب الزمان کیست؟ من از او می‌پرسیدم . او امام و یاور ماست، او کمک می‌کند و اگر او را آلوت صدا کنید به

شما کمک می کند. مادر بزرگ جواب داد. روز از نو وقتی در سفر بودم بنزین ماشین ما تمام شد و هیچ پمپ بنزین در اطراف نیست ما نمی دانیم چه کنیم و ما آنجا بودیم که مردی را دیدم که از بوته های نزدیک بیرون می آمد. مرد شبیه کسانی نیست که رنج می کشند یا راه طولانی را طی می کنند. با راننده بگویید که ماشین شما آماده است اکنون باک آن پر از بنزین است. تو کی هستی پسری که داستان را تعریف می کند، پرسید. من صاحب الزمان هستم مرد پاسخ داد. به راننده گفتم که ماشین ما آماده است باک ما پر از بنزین است. من اصلاً این شوخی و رفتار کودکانه را نمی خواهم، ما اینجا ایستاده بودیم و شما به ما می گویید که فلانی ماشین ما را از بنزین پر کرده است! گفت راننده. این صاحب زمان است که این کار را می کند، همه آنها به اطراف نگاه می کنند، اما صاحب زمان قبلًا رفته است.

وقتی راننده باک را چک می کند، واقعاً می بیند که ماشین پر از بنزین است. در آن زمان صاحب الزمان پس از پرکردن خودروی ما از بنزین به من گفت که به او یک چیز را قول بدhem و آن این است که فعلًا در زمان خود نماز را در سر وقت انجام دهم که من انجام می دهم. چون در آن زمان هر وقت وقت نماز فرا می رسد، آن را به موقع انجام می دادم تا به عهدی که به صاحب زمان می کنم عمل کنم». خداوند متعال ما را در زمرة سربازان صاحب الزمان قرار دهد که آنها را با نماز می شناسند. اللهم صلی الله علیه و آله و سلم

از خدا خواهید توفیق عمل بر طاعتمن \*\* بر نماز اول وقت و کتاب حکمتمن

## فلسفه نماز از دیدگاه شهید مطهری

از مهمترین عباداتی که تمام پیروان ادیان توحیدی به آن مکلف شده‌اند نماز است. نماز تا آنچه اهمیت دارد که در هیچ دین الهی از آن غفلت نشده است و اگر گوهر اصلی ادیان را عبادت بدانیم (ما خلقت الانس و الجن الا لیعبدون) نماز بارزترین مصدق این عبارت است. اهمیت این نوع عبادت تا حدی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: الصلوه عمود الدين، نماز پایه اساسی خیمه دین است. در روایات واردہ از بقیه معصومین نیز احادیثی با این مضمون یافت می شود. علی علیه السلام در آخرین وصیتی که

---

برای فرزندان و شیعیان و بقیه مسلمانان نوشته در باب اهمیت نماز می‌فرمایند: «الله الله فی الصلوہ فانها عمود دینکم؛ خدا را درباره نماز، که نماز ستون دین شماست.»

نهج البلاغه، نامه 47، ترجمه استاد دکتر شهیدی، ص 321

در اهمیت نماز همین بس که در روز قیامت شرط قبولی بقیه اعمال دینی نماز است که پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «ان قبلت قبل ما سوی ها و ان ردت رد ما سواها، یعنی شرط قبولی و پذیرش سایر اعمال انسان قبولی نماز است به این معنا که اگر انسان کارهای خیری انجام بدهد ولی نماز نخواهد و یا نماز را سبک بشمارد، سایر کارهای خیر او هم رد می‌شود.» گفتارهای معنوی، ص 56

در حدیث دیگر آمده است که «الصلوہ قربان کل تقی» نهج البلاغه، حکمت 131، ص 1152

نماز مایه تقرب هر انسان پرهیزکار است. نماز ارتباط میان عبد و معبد است نماز موجب تقرب به خداست و هیچ چیز دیگر جای نماز را نمی‌تواند بگیرد و بدیل آن شود.

وقتی «الله اکبر» نماز گفته می‌شود اگر با تامل و از صمیم قلب چنین ذکری گفته شود به آدمی یک آزادی معنوی می‌بخشد که دیگر برده و بنده هیچ کسی نخواهد بود و حکومتی جز حکومت الله را نخواهد پذیرفت چه لازمه بندگی خدا آزادی از غیرخداست:

نشوی بنده تا نگردی حر نتوان کرد ظرف پر را پر

«اذکار دیگر نماز هر کدام رمزی دارد، شخصی از علی علیه السلام پرسید چرا ما دوبار سجده می‌کنیم؟ امیر المؤمنین این آیه را خواند: منها خلقناکم و فيها نعیدکم و منها نخرجکم تاره اخری (طه، 55) اول که سر بر سجده می‌گذاری و بر می‌داری یعنی همه ما از خاک آفریده شده‌ایم دو مرتبه سرت را به خاک بگذار یادت بباید که می‌میری و به خاک باز می‌گردی و سایر اذکار و اعمال دینی نیز رمزی دارند.» گفتارهای معنوی، ص 97 و 98

---

البته این اعمال از آن جهت که شرعی هستند و دستور خداوند است بر ما آدمیان واجب شده است چه فلسفه واقعی و اصلی آن‌ها را بدانیم و یا ندانیم بهر حال ما مکلف به انجام این اعمال هستیم و جستجوی فلسفه اعمال دینی هم حرام نیست منتها باید از برخورد انحصاری و جزم گرایی دوری جست و هیچ وقت ادعا نکرد که تنها فلسفه فلان این است که به دست آمده بلکه باید احتمالات دیگر را نیز جایز شمرد، چه فلسفه اصلی اعمال دینی را خداوند می‌داند و بس.

شهید مطهری نظریه «اجتماع جانب فردی و جمعی» اعمال دینی را ارائه می‌کند و با این ترتیب از یک سو جلوی افراط و تفریط را می‌گیرند و از سویی محتوای اصلی و ایمانی اعمال دینی را حفظ می‌کنند. در این رابطه ضمن تاکید بر جنبه عبادی اعمال از ربط دادن آنها به امور دیگران زندگی نیز غافل نیستند و مقدسین از اعمال دین تنها جنبه عبادی را مدنظر نداشته بلکه باید به نسبت آن‌ها با امور دیگر نیز توجه کافی داشت. «مثلاً نماز جنبه اخروی خالصش این است که انسان به یاد خدا باشد، خوف خدا را داشته باشد. برای حضور قلب و توجه به خدا که این همه آداب از قبیل وضو گرفتن، شستشو کردن و... ضرورتی ندارد. شستشو برای نزد خدا رفتن چه تاثیری دارد؟ از نظر خدا هیچ تاثیری ندارد اما از سوی دیگر بر مومنین نظافت را تکلیف می‌کند.» گفتارهای معنوی، ص 88

در محل غصبی نماز نخواندن هم تاثیری در حضور در پیشگاه حق ندارد اما خداوند می‌خواهد به مومنین رعایت حقوق دیگران را تعلیم دهد یعنی می‌خواهد بگوید که از نظر اسلام پرستشی که در آن حقوق دیگران رعایت نمی‌شود مورد پذیرش نیست و یا مثلاً رو به قبله ایستان رابطه عبادت با مساله اجتماعی وحدت را در اذهان تداعی می‌کند و الا خدا که جایگاه خاصی ندارد «فاینما تولو فثم وجه الله» (بقره، ۱۱۵) به هر سو رو کنید خدا همان جاست. (آوای مطهر)

## فصل پنجم (۵)

### داستان واقعی درباره فلسفه نماز

---

در کتاب خودش، (دادش جون ص ۳۴) آیت الله حق شناسی تهرانی می فرمایید : "صورت را به خاک بگذار، اینطرف صورت، آنطرف صورت. شبها بلند شو، دادش جون ! اولاً سرت را روی فرش بگذار. پروردگار این حالت را دوست دارد.

دلا بسوز که سوز تو کارها بکند \* نیاز نیم شبی دفع صد بلا بکند

پدر همان کتاب ص ۳۹ می فرمایید: "سفر به سوی خدا ممکن نیست، مگر اینکه سحرها بلند شوی ، دادش جون ! باید سحرها برای نماز شب بیدار شوید ولو اینکه مختصر بخوانید"

یک شب به طاعت تو نیاورده ام به صبح \*\* بیهوده رفت روز و شب و سال و ماه من

امیدوارم انشاالله این داستانها به دل ما بمانید

دستان اول (۱)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ

---

شیخ بهائی می گوید : از مردی مورد اطمینان شنیدم ، گنهکاری از دنیا رفت ; همسرش برای انجام مراسم تغسیل و تکفین و تدفین از مردم درخواست کمک کرد ، ولی شدت نفرت مردم نسبت به آن گنهکار به اندازه ای بود که کسی برای انجام مراسم حاضر نشد ، به ناچار کسی را اجیر کرد که جنازه را به مصلای شهر ببرد ، شاید اهل ایمان به انجام مراسم اقدام کنند ، ولی یک نفر برای حضور در مراسم حاضر نشد !

پس جنازه را به وسیله اجیر به صحراء برد تا آن را بی غسل و کفن و نماز دفن کند . نزدیک آن صحرا کوهی بود که در آن کوه زاهدی می زیست که همه عمر به عبادت گذرانده بود و میان مردمی که در آن نزدیکی می زیستند مشهور به زهد و تقوا بود . همین که جنازه را دید از صومعه خود به سوی جنازه رفت تا در مراسم او شرکت کند ، اهل آن اطراف وقتی این مطلب را شنیدند به سرعت خود را به آنجا رساندند تا همراه عابد در مراسم مربوط به میت حاضر شوند . مردم سبب شرکت کردن عابد را در مراسم آن گنهکار از شخص عابد پرسیدند ، گفت : در عالم رؤیا به من گفته فردا از محل عبادت خود به فلان موضع از صحرا برو ، در آنجا جنازه ای است که جز یک زن کسی همراه او نیست ، پس بر او نماز گذار که او مورد آمرزش و عفو قرار گرفته است . مردم از این واقعه تعجب کردند و در

---

دریایی از حیرت فرو رفتند . عابد همسر میت را خواست و از احوالات میت پرسید ، همسر میت گفت : بیشتر روزها دچار یکی از گناهان بود .

عبد گفت : آیا عمل خیری از او سراغ داری ؟ گفت : آری سه عمل خیر از او می دیدم :

1 - هر روز پس از ارتکاب گناه ، جامه هایش را عوض می کرد و وضو می گرفت و خاشuanه به نماز می ایستاد .

2 - هیچ گاه خانه اش از یتیم خالی نبود و بیش از مقداری که به فرزندان خود احسان می کرد به یتیم احسان می نمود .

3 - هر ساعت از شب بیدار می شد می گریست و می گفت : پروردگارا ! کدام زاویه از زوایای دوزخ را با این گنهکار پُر خواهی کرد ؟!

بر گرفته از کتاب داستانهای عبرت آموز ، نوشته استاد حسین انصاریان

داستان دوم (۲)

پنجم

---

صف های نماز جماعت بسته شده بود و همه آماده شنیدن اذان بودند. ناگهان مردی با چهره ای نگران در حالی که سرش را پایین انداخته بود، در کنار پیامبر (ص) به زمین نشست، اما خجالت می کشید به چهره او نگاه کند. پیامبر (ص) با مهربانی نگاهی به او کرد و آماده شنیدن حرف هایش شد. مرد به آهستگی و با صدای لرزان گفت: «ای رسول خدا! من گناهی کرده ام که...». پیامبر (ص) دیگر به حرف های آن مرد گوش نداد و برخاست تا نماز را شروع کند.

مرد فکر کرد که بی موقع مزاحم آن حضرت شده است. به همین دلیل با شرمندگی بلند شد و به صفحه های نمازگزاران پیوست. همین که نماز تمام شد به سرعت و قبل از آن که کسی به حضور پیامبر (ص) برسد، نزد او رفت و دو زانو نشست. پیامبر (ص) به چهره آن مرد نگاهی کرد. مرد که سرش پایین بود، گفت: «یا رسول الله! عرض کردم گناهی کردم که...».

پیامبر (ص) با مهربانی پرسید: «مگر اکنون با ما نماز نخواندی؟»؟ مرد جواب داد: «بله یا رسول الله!» پیامبر (ص) پرسید: «مگر به خوبی وضو نگرفتی؟»؟ مرد جواب داد: «بله یا رسول الله!» حضرت به آرامی گفت: «پس نمازی که خواندی کفاره گناه تو بود.»

به نقل از: تفسیر نمونه، ج 9، ص 268

دستان سوم (۳)

---

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

حاج عبدالرزاق زین الدین، پدر شهیدان مهدی و مجید زین الدین، می گوید: شهید رجایی - رحمة الله عليه - می فرمود: چطور وقتی تلفن زنگ می زند، شما مضطربید که زود بروید و جواب دهید تا آقایی که پشت خط هست زیاد معطل نشود، حتی اگر در نماز هستید، نماز را سریع می خوانید تا بباید جواب تلفن را بدھید! اذان که می گویند، خداوند پشت خط است؛ وظیفه ما این است که لبیک بگوییم.

به نقل از: مجله خیمه، شماره 8، آبان 82، ص 22

داستان سوم (۳)

بِسْمِ

[خدا] نماز آخوند کاشی را از شما [جوانان] نمی خواهد که شصت سال هم در زمستان و هم در تابستان، در حجره اش و در ایوان مدرسه صدر اصفهان، وقتی نماز می خواند، در نماز از دنیا جدای جدا می شد،

---

و بعد از تمام شدن نماز، باید می‌رفت پیراهنش را که بر اثر کثرت گریه خیس شده بود، عوض می‌کرد، هم در نماز ظهرش، هم در نماز عصرش، هم در نماز مغربش و هم در نماز عشايش.

در نماز شبش در مدرسه صدر، بعد از وتر، وقتی به سجده رفت و با آن حالش گفت: «سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحُ» [سید بن طاووس، اقبال، ج ۳، ص ۱۸۵]

تمام آجرها، دیوارها، برگها و درخت‌های مدرسه، هم آن‌ها، به دنبال آخوند داشتند می‌گفتد، «سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ...».

یک نفر [طلاب مدرسه وقتی] این تسبيح‌ها را شنید و غش کرد.

اما جوان‌ها حداقل اين نماز را بى عيب، صحيح و به موقع به جا بياوريد.

استاد انصاريان ، نماز الهى و شيطانى ، خلاصه‌ای از صفحه ۲۳ و ۲۹ .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعجل فرجهم

داستان چهارم (۴)

روزی رساله ای از مرحوم کلباسی به دست محدث قمی رحمه الله رسید و ایشان به سرعت به مطالعه آن پرداخت. در حالی که با شوق و توجه فراوان کتاب را می‌خواند، متوجه شد مرحوم کلباسی در حاشیه رساله خویش به پرسش این گونه سفارش کرده است: «به برادران دینی و دوستان نزدیکم اعلام می‌کنم که به نور دیده ام، آقا محمد، به صورت رو در رو گفته ام، در صورت ترک نماز جماعت از او راضی نیستم و بارها و بارها به او گفته‌ام حتی یک نماز هم نباید به غیر جماعت بخواند.» این سفارش و تأکید بر به جا آوردن نماز جماعت و ثبت آن در حاشیه رساله اش، ارادت محدث قمی به مرحوم کلباسی را بیشتر کرد. [۱]

[۱]: نک: حاج شیخ عباس قمی رحمه الله، فوائد الرضویه، انتشارات کتاب خانه مرکزی، بی‌تا، ص ۵۷

[ستارگان پارسایی: داستان های اخلاقی عالمان و بزرگان دین - ۲. سفارش فرزند به نماز جماعت - صفحه ۱۵]

---

## داستان پنجم (۵)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یکی از سوالاتی که ذهن رو مشغول می کند این مساله است که چرا در روایات  
ترک کننده نماز کافر شمرده شده، مگر چه وجه تمایزی بین نماز و اعمال دیگه  
وجود داره؟ تارک صلات مگه چه خصوصیتی پیدا میکنه که این همه در قرآن و  
روایات نکوہش شده است؟

روایت زیر به این سوال جواب میدهد :

داستانک

مسعده بن صدقه میگوید:

شنیدم شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: چرا شما زناکار را کافر نمی نامید  
ولی ترک کننده نماز را کافر می نامید؟

حضرت در پاسخ فرمود: زناکار و نظیر او، این کار را به جهت غالب شدن غریزه  
جنسي و شهوات انجام می دهند، ولی تارک نماز آن را ترک نمی کند مگر به خاطر  
استخفاف و سبک شمردن نماز.

---

آری زناکار به خاطر لذت و کامیابی به سوی زن اجنبی می‌رود، ولی کسی که نماز را ترک می‌کند، در این کار لذتی را نمی‌جوید بلکه مسبب ترک آن، سبک شمردن فعل است و وقتی که استخفاف و سبک شمردن محقق شد، کفر به سراغ او خواهد آمد.

برگرفته از کتاب چهل داستان در باره نماز و نماز گزاران، قسمت 22، اصول کافی، ج 2، باب الکفر، حدیث 9

داستان ششم (۶)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

از حضرت باقر علیه السلام روایت شده : موسی به حضرت حق عرضه داشت :  
به کدام یک از بندگانت دشمنی بیشتر می‌ورزی ؟ فرمود : کسی که در شب مانند مردار در بستر افتداده و روز را به بطالت و بیهوده کاری می‌گذراند

میزان الحكمه : 13 / 6550 ، النوم ، حدیث 20917

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعجل فرجهم

داستان هفتم (۷)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

---

روزی پیامبر اکرم(ص) در مسجد نشسته بودند در این هنگام شخصی وارد شده و به نماز ایستاد. اما بسیار با عجله رکوع و سجود بجا آورد و ارکان نماز را نیمه کاره انجام داد.

حضرت فرمودند: مانند کلاغی که به زمین نوک می‌زند، خم و راست شده و نماز خوانده، هر آینه اگر او در چنین وضعی و با چنین نماز خواندنی از دنیا برود، به دین من نمرده است.

شنیدنیهای تاریخ «داستانها و حکایتهای کتاب المحة البيضاء» نویسنده : سید مهدی شمس الدین

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعجل فرجهم

داستان هشتم (۸)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مردم نوعاً علاقمندند که آخرين سخن و گفتار پایانی شخصیت‌های بزرگ و انسان‌های قدیس را بدانند و کدام شخصیت همانند رسول خداست و چه کسی به پایه‌ی کمالات آن بزرگوار می‌رسد و چه کسی است که نخواهد آخرين کلام پیامبر اکرم و سخن پایانی حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله را بداند و بفهمد؟

---

□ □ جابر بن عبد الله میگوید: کعب الاحبار از عمر پرسش کرد: «آخرین سخن پیامبر چه بود؟»

او گفت: «از علی علیه السلام بپرس!»

کعب به نزد حضرت علی علیه السلام آمد و همین پرسش را از آن حضرت نمود.  
علی علیه السلام فرمود:

رسول خدا را به سینه خود گرفتم پس سر مبارکش را بر دوش من گذاشت و فرمود:  
نماز، نماز.

[فضائل الخمسة من الصالحة الستة؛ جلد ۳ صفحه ۳۸]

آخرین توصیه امام صادق نیز نماز است

امام کاظم علیه السلام می فرمایند: پدرم در هنگام مرگ وصیت کرد ما را و  
فرمود: شفاعت ما به کسی که نماز را سبک بشمارد نمی رسد.

[وسائل الشیعه، جلد ۴، صفحه ۲۴]

---

داستانک:

داماد حضرت امام خمینی(ره) می گوید:

حضرت امام ، روایتی از امام جعفر صادق علیه السلام نقل می کردند که «اگر کسی نمازش را سبک بشمارد، از شفاعتshan محروم می شود.» من یک بار به ایشان عرض کردم: «سبک شمردن نماز شاید به این معنی باشد که شخص نمازش را یک وقت نخواند و یک وقت نخواند.» گفتند نه این که خلاف شرع است. منظور امام صادق علیه السلام این بوده است که وقتی ظهر می شود و فرد در اول وقت نماز نمی خواند، در واقع به چیز دیگری رجحان داده است.

هزارو یک نکته درباره نماز حکایت

اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم

داستان نهم (۹)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

---

حضرت صادق علیه السلام فرمودند:

کسی که در صف اول نماز جماعت شرکت نماید، مانند آن است که پشت سر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نماز خوانده باشد. [وسائل الشیعه، ج 5، ص 381]

داستانی:

حکایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد شرکت در صف اول نماز جماعت فرمود: «خدا و فرشتگان بر پیشگامان در این صف درود می‌فرستند.» و به دنبال این تأکید، برخی گروه‌ها تصمیم گرفتند خانه چهای خود را بفروشند و نزدیک مسجد پیامبر خانه تهیه کنند، تا به صف اول جماعت برسند. و عده‌ای گفتند ما خانه هایمان را رها می‌کنیم و در مسجد زندگی می‌کنیم، تا به صف اول برسیم.

بعد از این جریان آیه 24 سوره حجر نازل شد "وَ لَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنْكُمْ وَ لَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَخِرِينَ "

و به آنها گوشزد کرد که خدا نیات شما را می‌داند؛ چون تصمیم بر این دارید که در صف اول باشید، پاداش نیت خود را خواهید داشت، حتی اگر در صف آخر قرار گیرید

[تفسیر نمونه؛ جلد 11 صفحه 64 با اندگی تصرف]

---

اللهم صل على محمد وآل محمد و عجل فرجهم

داستان دهم (۱۰)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یکی از سیره‌های آیت الله العظمی شیخ جعفر کاشف الغطاء (ره) این بود ه که دیگران و از جمله اعضاء خانواده را برای نماز شب بیدار می‌کرد.

فرزند ایشان (شیخ حسن) می‌گوید: در یکی از شب‌ها که ایشان برای تهجد و نماز شب برخاسته بود، فرزند جوانش را از خواب بیدار کرد و فرمود: بلند شو تا به حرم مطهر برویم و در آنجا نماز بخوانیم.

فرزند جوان که بیدار شدن از خواب در آن ساعت شب برایش سخت بود، گفت: من فعلًاً آماده نیستم، شما منتظر من نشوید؛ بعداً مشرف می‌شوم.

---

پدر فرمود: نه، من این جا ایستاده‌ام؛ آماده شو که با هم برویم. آقا زاده، به ناچار از جا برخاست و بعد از وضو گرفتن، با هم راه افتادند.

هنگامی که کنار درب صحن مطهر رسیدند، در آنجا مرد فقیری را دیدند که نشسته و دست نیاز به طرف مردم دراز کرده است. آن عالم بزرگوار ایستاد و به فرزندش فرمود: این شخص در این وقت شب برای چه این جا نشسته است؟

فرزند گفت: برای گدایی و تکدی از مردم.

آقا شیخ جعفر فرمود: به نظر شما چقدر مردم به او پول می‌دهند؟

فرزند مبلغ ناچیزی را گفت (مثلاً یک درهم)

مرحوم کاشف الغطاء فرمود: فرزندم! خوب فکر کن و ببین این آدم برای به دست آوردن مبلغ بسیار اندک و کم ارزش دنیا (که آن را هم شاید به دست بیاورد)، در این وقت شب از خواب و آسایش خود دست برداشته و آمده در این گوشه نشسته و دست تذلل به سوی مردم دراز کرده! آیا تو، به اندازه‌ای که این شخص به بندگان خدا اعتماد دارد، به وعده‌های خدا درباره شب‌خیزان و متھجدان اعتماد نداری؟! که [در قرآن] فرموده است: **فَلَا تَعْلُمُ نَفْسٌ مَا أَخْفَى لَهُمْ مِنْ قَرَّةِ أَعْيُنٍ**؛ هیچ کس نمی‌داند چه پاداش‌های مهمی که مایه روشنی چشم‌هاست برای آن‌ها نهفته شده است. سوره

---

گفته‌اند آن فرزند جوان از شنیدن این گفتار پدر زنده‌دل خود چنان تکان خورد و تنبه یافت که تا آخر عمر از شرف و سعادت بیداری آخر شب برخوردار بود و نماز شبش ترک نشد.

منبع: شب مردان خدا

داستان یازدهم (۱۱)

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعجل فرجهم

بسم الله الرحمن الرحيم

در آسمان کردستان بودیم و سوار بر هلیکوپتر. دیدم شهید صیاد مدام به ساعتشان نگاه می‌کردند.

علت را پرسیدم، گفتند: وقت نماز است و همان لحظه به خلبان اشاره کردند که همینجا فرود بیا تا نمازمان را اول وقت بخوانیم.

خلبان گفت: این منطقه زیاد امن نیست، اگر صلاح می‌دانید تا رسیدن به مقصد صبر کنیم.

---

شهید صیاد گفتند: هیچ اشکالی ندارد! ما باید همینجا نمازمان را بخوانیم.

خلبان اطاعت کرد و هلیکوپتر نشست.

با آب قممه‌ای که داشتند وضو گرفتیم و نماز را به امامت ایشان اقامه کردیم...

... وقتی طلبه‌های شیراز از آیت‌الله بهاءالدینی درس اخلاق خواستند؛ ایشان فرمودند: بروید از صیاد شیرازی درس زندگی بگیرید. اگر صیاد شیرازی شدید، هم دنیا را دارید و هم آخرت را...

روایان: سرهنگ غلامحسین دربندی، سردار برقی

کتاب امیر دلاور، صفحات ۶۹ و ۷۷

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

داستان دوازدهم (۱۲)

بسم الله الرحمن الرحيم

---

یکی از بازاریان که از شاگردان مرحوم شاه آبادی [استاد اخلاق و عرفان امام خمینی] بود، نقل می‌کرد که ایشان، یک شب در یکی از سخنرانی های ایشان، با ناراحتی اظهار داشتند:

“چرا افرادی که در اطراف ایشان هستند، حرکتی از خود در جنبه های معنوی نشان نمی‌دهند؟

می‌فرمودند: آخر، مگر شماها نمی‌خواهید آدم شوید؟ اگر نمی‌خواهید من این قدر به زحمت نیفتم”

همین فرد می‌گوید:

بعد از منبر، ما چند نفر خدمت ایشان رفتیم و گفتیم که آقا ما می‌خواهیم آدم بشویم. چه کنیم؟

ایشان فرمودند: من به شما سه دستور می‌دهم، عمل کنید، و اگر نتیجه دیدید، آن وقت ببایدید تا برنامه را ادامه دهیم.

سه دستور ایشان چنین بود:

---

۱، مقید باشید نماز را در اول وقتی اقامه کنید. هر کجا باشید و دیدید صدای اذان بلند شد، دست از کارتان بکشید و نماز را اقامه کنید و حتی المقدور هم سعی کنید به جماعت خوانده شود.

۲، در کاسبی تان انصاف به خرج دهید، و "واقعاً" اقل منفعتی را که می‌توانید، همان را در نظر بگیرید. در معاملات، چشم هایتان را ببندید و بین دوست و آشنا و غریبه و شهری و غیر شهری فرق نگذارید. همان اقل منفعت در نظرتان باشد.

۳، از نظر خمس، گرچه می‌توانید برای ادائی آن تا سال صبر کنید و امام معصوم علیه السلام به شما مهلت داده اند، اما شما ماه به ماه حق و حقوق الهی را ادا کنید.

همین فرد می‌افزاید: من دستورات ایشان را که از ماه ربیع شنبیده بودم، اجرا کردم تا به ماه رمضان رسید. قبل از ماه رمضان در بازار پاچنار می‌آمدم که، صدای اذان بلند شد. خود را به مسجد نایب رساندم و پشت سر مرحوم حجت الاسلام سید عباس آیت الله زاده مشغول نماز شدم.

در نماز دیدم که ایشان گاهی تشریف دارند و گاهی ندارند. در قرائت نیستند ولی در سجده و رکوع هستند. پس از نماز به ایشان عرض کردم: شما در حال نماز کجا تشریف داشتید؟ نبودید.

---

ایشان متحیر شد. تعجب کرد و فرمود که معذرت می خواهم. من از مسجد و منزل ناراحت شدم، لذا در نماز، گاهی می رفتم دنبال آن اوقات تلخی و بعد از مدتی، متوجه می شدم و بر می گشتم.

این اولین مشاهده‌ی من بود که در اثر دستورات آیه الله شاه آبادی برایم حاصل شده بود. در اثر دو ماه و نیم التزام من به این سه دستور، دید ما باز شد و برنامه را هم چنان ادامه دادم که مشاهدات بعدی من، دیگر قابل بیان نیست.

[آثار و برکات نماز اول وقت صفحه ۷۰]

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

داستان سیزدهم (۱۳)

بسم الله الرحمن الرحيم

یکی از بازاریان که از شاگردان مرحوم شاه آبادی [استاد اخلاق و عرفان امام خمینی] بود، نقل می کرد که ایشان، یک شب در یکی از سخنرانی هایشان، با ناراحتی اظهار داشتند:

---

“چرا افرادی که در اطراف ایشان هستند، حرکتی از خود در جنبه های معنوی نشان نمی دهند؟

می فرمودند: آخر، مگر شماها نمی خواهید آدم شوید؟ اگر نمی خواهید من این قدر به زحمت نیفتم”

همین فرد می گوید:

بعد از منبر، ما چند نفر خدمت ایشان رفتیم و گفتیم که آقا ما می خواهیم آدم بشویم. چه کنیم؟

ایشان فرمودند: من به شما سه دستور می دهم، عمل کنید، و اگر نتیجه دیدید، آن وقت ببایید تا برنامه را ادامه دهیم.

سه دستور ایشان چنین بود:

۱، مقید باشید نماز را در اول وقت ش اقامه کنید. هر کجا باشید و دیدید صدای اذان بلند شد، دست از کارتان بکشید و نماز را اقامه کنید و حتی المقدور هم سعی کنید به جماعت خوانده شود.

۲، در کاسبی تان انصاف به خرج دهید، و واقعاً ”اقل منفعتی را که می توانید، همان را در نظر بگیرید . در معاملات، چشم هایتان را ببندید و بین دوست و آشنا و غریبه و شهری و غیر شهری فرق نگذارید. همان اقل منفعت در نظرتان باشد.

---

۳ از نظر خمس ، گرچه می توانید برای ادای آن تا سال صبر کنید و امام معصوم علیه السلام به شما مهلت داده اند، اما شما ماه به ماه حق و حقوق الهی را ادا کنید.

همین فرد می افزاید: من دستورات ایشان را که از ماه ربیع شنبده بودم، اجرا کردم تا به ماه رمضان رسید. قبل از ماه رمضان در بازار پاچنار می آمدم که، صدای اذان بلند شد. خود را به مسجد نایب رساندم و پشت سر مرحوم حجت الاسلام سید عباس آیت الله زاده مشغول نماز شدم.

در نماز دیدم که ایشان گاهی تشریف دارند و گاهی ندارند. در قرائت نیستند ولی در سجده و رکوع هستند. پس از نماز به ایشان عرض کردم: شما در حال نماز کجا تشریف داشتید؟ نبودید.

ایشان متحیر شد. تعجب کرد و فرمود که معدرت می خواهم. من از مسجد و منزل ناراحت شدم، لذا در نماز، گاهی می رفتم دنبال آن اوقات تلخی و بعد از مدتی، متوجه می شدم و بر می گشتم.

این اولین مشاهده‌ی من بود که در اثر دستورات آیه الله شاه آبادی برایم حاصل شده بود. در اثر دو ماه و نیم التزام من به این سه دستور، دید ما باز شد و برنامه را هم چنان ادامه دادم که مشاهدات بعدی من، دیگر قابل بیان نیست.

---

اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم

داستان چهاردم (۱۴)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شهر قم در کیر و دار جنگ جهانی دوم از قحطی و خشکسالی ناله داشت، زمین‌ها خشک بود، باغات در شرف انهدام قرار داشت، مردم چار مضیقه و سختی بودند، عوامل مادی از حل مشکل به عجز نشسته بودند، تنها راهی که برای نزول باران وجود داشت، یکی از دستورهای مهم اسلامی بود و آن هم نماز باران.

---

کم تر کسی به خود جرأت می داد که به این مهم اقدام کند، کسی را می خواست که  
قلبش به نور یقین منور و جانش در اتصال با عالم ملکوت باشد.

آن کس که به خویش با کمال اطمینان جرأت قدم نهادن در این میدان را داد، مرجع  
بزرگ آن زمان مرحوم آیت الله العظمی حاج سید محمد تقی خوانساری بود، مردی  
که بارها برای دفع استعمارگران، به میدان جهاد رفته بود و برای احراق حق  
مسلمانان پافشاری داشت.

جمعیت زیادی با چشم گریان و دلی بریان و سر و پای بر همه به رهبری و پیشوایی  
آن مرد الهی به سوی خاک فرج قم حرکت کردند.

زمانی است که متفقین در شهر قم قوا دارند و از نزدیک ناظر اوضاعند؛ ارتش  
کفر تصور دیگر داشت و حزب حق مقصدی دیگر؛ قوای کفر پس از خبر شدن از  
حقیقت حال، سخت در تعجب شد، مگر ممکن است جمعیتی به سرپرستی یک مردی  
عالم با انجام عملیاتی چند از آسمان باران به زمین بباورد؟!

پس از انجام مراسم باران در سه روز، اشک آسمان بر زمین هم چون سیل باریدن  
گرفت، به عنوان خبری مهم در همه جا پخش شد، من خودم چند نفر از آن هایی  
را که در آن نماز شرکت داشتند، دیده ام و از زبان آنان داستان را شنیده ام، بر  
سنگ مزار او در مسجد بالای سر حرم حضرت معصومه علیها السلام این واقعه

را ثبت کرده اند، تا همه بدانند که نماز این دستور مهم الهی قدرت حل بسیاری از مشکلات را دارد، چه اگر نداشت خدای متعال امر نمی فرمود:

«وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ» (۱)

از صبر و نماز یاری بخواهید.

پی نوشت

[۱] بقره (۲): 45

منبع : عرفان اسلامی: 126 / 5

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعجل فرجهم

داستان پانزدهم (۱۵)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سید هاشم حداد(ره) نقل می کند که :

شخصی آمد پیش آیت الله قاضی(ره) ، گفت آقا ما را موعظه کن ، آقا موعظه نکرد و آن شخص رفت، علت را جویا شدیم

---

گفتند ؛ نمازش را اول وقت نمی خواند.

"هرکس نماز اول وقت بخواند و به مقامات عالیه نرسد مرا لعن کند."

□ منبع : عطش

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعجل فرجهم

داستان شانزدهم (۱۶)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در دوران جوانی که به ورزش کشتی می رفت روزی برای انجام مسابقات به اتفاق هم به سالن رفتیم . مسابقات فینال بود، در میان جمعیت به تماشا نشسته بودم که چند نفر از رقیبان با هم مبارزه کردند.

---

نوبت به عباس رسید. چند بار نام او را برای مبارزه خواندند، اما او حاضر نشد.  
تا این که دست رقیب او را به عنوان برنده مسابقه بالا برداشتند. نگران شدم به خودم  
می گفتم : یعنی عباس کجا رفت؟ در جستجوی او بودم نگاهم به او افتاد که از  
درب سالن وارد می شد. جلو رفتم و گفتم : کجا بودی؟ اسمت را خواندند، نبودی؟

گفت : وقت نماز بود، نماز از هر کاری برایم مهمتر است. رفته بودم نماز جماعت.

اینقدر نماز اول وقت به جماعت ، برای عباس حاجی زاده مهم بود که بعد از  
شهادتش وقتی وصیت نامه اش را خواندیم نوشتہ بود:

برادران و خواهران عزیز! اگر خواستید خود سازی کنید، از نماز کمک بگیرید،  
البته نماز اول وقت در مسجد به خضوع و خشوع و از روی صبر.

ستارگان خاکی ، صفحه 219

داستان هفدهم (۱۷)

---

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یکی از فرزندان مرحوم ( شیخ مرتضی انصاری ) به واسطه نقل می کند که :

مردی روی قبر شیخ افتاده بود و با شدت گریه می کرد . وقتی علت گریه اش را پرسیدند ، گفت جماعتی مرا وادار کردند به اینکه شیخ را به قتل برسانم من شمشیرم را برداشته نیمه شب به منزل شیخ رفتم .

وقتی وارد اتاق شیخ شدم دیدم روی سجاده در حال نماز است ، چون نشست من دستم را با شمشیر بلند کردم که بزمن در همان حال دستم بی حرکت ماند و خودم هم قادر به حرکت نبودم به همان حال ماندم تا او از نماز فارغ شد بدون آنکه بطرف من برگردد گفت : خداوند چه کرده ام که فلان کس را فرستاده اند که مرا بکشد ( اسم مرا برد ) . خدایا من آنها را بخشیدم تو هم آنها را ببخش .

آن وقت من التماس کردم ، عرض کردم : آقا مرا ببخشید ، فرمود : آهسته حرف بزن کسی نفهمد برو خانه ات صبح نزد من بیا . من رفتم تا صبح شد همه اش در فکر بودم که بروم یا نروم واگر نروم چه خواهد شد بالاخره بخودم جراءت داده رفتم . دیدم مردم در مسجد دور او را گرفته اند ، رفتم جلو وسلام کردم ، مخفیانه کیسه پولی به من داد و فرمود :

برو با این پول کاسبی کن .

---

من آن پول را آورده سرمایه خود قرار دادم و کاسبی کردم که از برکت آن پول  
امروز یکی از تجار بازار شدم و هر چه دارم از برکت صاحب این قبر دارم

منبع: زندگانی شیخ مرتضی انصاری

داستان هیجدهم (۱۸)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی معروف به شیخ نخودکی در وصیت خود به  
فرزندش می گوید:

اگر آدمی چهل روز به ریاضت و عبادت بپردازد، ولی یک بار نماز صبح از او  
فوت شود، نتیجه آن چهل روز عبادت بی ارزش و هباء منثورا خواهد شد.

---

فرزندم! بدان که در تمام عمرم تنها یک بار نماز صبح قضا شد. پسر بچه ای داشتم که شب آن روز فوت شد. سحرگاه در عالم رویا به من گفتند که این مصیبت به علت فوت آن نماز صبح به تو وارد آمد.

اکنون اگر یک شب، نماز شبی از من فوت شود، صبح آن شب، انتظار بلایی را می کشم که به من نازل شود.

سپس حاج شیخ حسنعلی می افزاید:

پسرم! ترا سفارش می کنم که نمازت را اول وقت بخوان و از نماز شب تا آنجا که می توانی غفلت مکن.

از آقای نظام التولیه سرکشیک آستان قدس رضوی نقل است:

شبی از شبهای زمستان که هوا خیلی سرد بود و برف می بارید، آخرهای شب دستور دادم که تمام درهای حرم را ببندد. خدمتی خبر داد که حاج شیخ حسنعلی در بالای بام در کنار گنبد مشغول نماز است و مدتی است که در حال رکوع می باشد و هر چند بار که مراجعت کردم، در همان حال رکوع بود. گفتم با حاج شیخ کاری نداشته باش، فقط کمی آتش هیزم در اتاق پشت بام بگذار که وقتی نمازش تمام شد، گرم شود.

---

آن شب برف سنگینی در مشهد بارید. هنگام سحر که برای بازکردن درهای حرم آمدیم، به آن خادم گفتم برو ببین حاج شیخ در چه حال است. خادم رفت و پس از چند لحظه برگشت و گفت: حاج شیخ هنوز در حال رکوع است و پشتش از برف پوشیده شده.

معلوم شد که ایشان از اول شب تا سحر در حال رکوع بوده است و سرمای شدید را اصلاً احساس نکرده بود. (۱)

۱- نشان از بی نشانها / ص 33

داستان هفدهم (۱۷)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یکی از رفتارهای اشتباه مسلمین در دعا کردن این است، غالباً زمانی سراغ خداوند و درخواست از او می‌روند که غرق در مشکلات مادی و معنوی فراوانی شده‌اند و کمتر پیش می‌آید برای پیشرفت مسائل معنوی خود در زندگی، دعا کنند.

ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ غافر/ 60

---

## مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم

مرحوم محمدتقی مجلسی، پدر بزرگوار علامه محمدباقر مجلسی نقل می کند: شبی از شبها، پس از فراغ از نماز شب و تهجد، حالتی برایم ایجاد شد که فهمیدم در این هنگام هر حاجت و درخواستی از خداوند نمایم اجابت خواهد نمود. فکر کردم چه درخواستی از امور دنیا و آخرت از درگاه خداوند متعال نمایم که ناگاه با صدای گریه محمدباقر در گهواره‌اش مواجه شدم و بی‌درنگ گفتم: پروردگار! بهق محمد و آل محمد، این کودک را مرّوج دینت و ناشر احکام پیامبر بزرگت فرار ده و او را به توفیقاتی بی‌پایان موفق گردان.

به برکت دعای نیمه شب پدر و تلاش و استمرار، علامه محمدباقر مجلسی، خدمات ارزشمندی را به جهان اسلام عرضه نمود. علاوه بر درس و تربیت شاگردان بزرگ و صدور فتوا و مسئولیت‌های مهم مرجعیت و مسافرت‌های مکرّر برای جمع آوری آثار اهل بیت(ع) یکی از تألیفات او بحار الانوار است که حدود 110 جلد می‌باشد.

دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند

و اندرا آن ظلمت شب آب حیاتم دادند 2

1. با اقتباس و ویراست از کتاب نماز خوبان

---

## ۲. حافظ

### داستان هیجدهم (۱۸)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

سید محسن جبل عاملی از علمای بزرگ شیعه در دمشق مدرسه‌ای ساخت تا  
فرزندان شیعیان در آن جا به فراگیری علم بپردازند.

ایشان شاگردی داشت به نام عبدالله که از ذهن سرشاری برخوردار بود و توانسته  
بود در مدت کوتاهی تحصیلات خود را در دمشق به پایان رساند و برای فراگیری  
بعضی علوم به امریکا سفر کند.

او از مدت‌ها قبل در یکی از دانشگاه‌های امریکا اسم نویسی کرده و راه درازی را  
پیموده بود تا در امتحان ورودی شرکت کند.

---

اما وقتی در صفحه ورود به جلسه ایستاده بود متوجه شد اگر عجله نکند وقت نماز می‌گذرد، لذا با شتاب جهت اقامه نماز حرکت کرد.

افرادی که پشت سرش بودند فریاد برآوردند: کجا می‌روی، نوبت شما نزدیک است و اگر دیر بررسی جلسه دیگری برگزار نمی‌گردد.

عبدالله جواب داد: من یک تکلیف دینی دارم و اگر انجام ندهم وقت آن می‌گذرد و آن بر امتحان مقدم است و با توکل به خدا مشغول نماز خواندن شد.

از قضا وقتی نمازش تمام شد نوبتش نیز گذشته بود. برگزار کنندگان امتحان وقتی متوجه این قضیه گردیدند، از ایمان عبدالله به شکفت آمده بودند و از او دوباره امتحان به عمل آورند. عبدالله در نامه‌ای خطاب به استادش در جبل عامل، نوشت: بود: من درس ایمان و عمل به تکالیف را از شما آموخته ام.

سید محسن بسیار خوشحال گردید و از این که توانسته بود چنین شاگردی پرورش دهد در پیشگاه خداوند شاکر بود.

---

## دستان نوزدهم (۱۹)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

مردی بود که هر کار می کرد نمی توانست اخلاص خود را حفظ کند و ریاکاری نکند، روزی چاره اندیشی کرد و با خود گفت: در گوشه شهر مسجدی متروک هست که کسی به آن توجه ندارد و رفت و آمد نمی کند، خوبست شبانه به آن مسجد بروم تا کسی مرا ندیده خالصانه خدا را عبادت کنم.

در نیمه های شب تاریک، مخفیانه به آن مسجد رفت، آن شب باران می آمد و رعد و برق و بارش شدت داشت. او در آن مسجد مشغول عبادت شد در وسط های عبادت، ناگهان صدائی شنید با خود گفت: حتماً شخصی وارد مسجد شد، خوشحال گردید که آن شخص فردا می رود و به مردم می گوید این آدم چقدر خداشناس وارسته‌ای است که در نیمه های شب به مسجد متروک آمده و مشغول نماز و عبادت است.

او بر کیفیت و کمیت عبادتش افزود و همچنان با کمال خوشحالی تا صبح به عبادت ادامه داد، وقتی که هوا روشن شد و به آن کسی که وارد شده بود، زیر چشمی نگاه کرد دید آدم نیست بلکه سگ سیاهی است که بر اثر رعد و برق و بارندگی شدید، نتوانسته در بیرون بماند و به مسجد پناه آورده است. بسیار ناراحت شد و اظهار

---

پشیمانی می کرد و پیش خود شرمنده بود که ساعت‌ها برای سگ عبادت می کرده است.

خطاب به خود کرد و گفت: ای نفس، من فرار کردم و به مسجد دور افتاده آمدم تا در عبادت خود، آحدی را شریک خدا قرار ندهم، اینک می بینم سگ سیاهی را در عبادتم شریک خدا قرار داده‌ام، #وای\_بر\_من! چقدر مایه تأسف است که این حالت را پیدا کرده‌ام.

منتخب قوامیس الدرّ، ص 144

داستان بیستم (۲۰)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آقای مصباح می گوید: آیت الله بهجت از مرحوم آقای قاضی رحمه الله نقل می کردند که ایشان می فرمود: ((اگر کسی نماز واجب‌ش را اول وقت‌خواند و به مقامات عالیه نرسد مرا لعن کند! و یا فرمودند: به صورت من تف بیندازد.))

اول وقت سرّ عظیمی است (حافظُوا عَلَى الصَّلَواتِ) (۱)

- در انجام نماز‌ها کوشایشید.

---

خود یک نکته‌ای است غیر از (أَقِيمُوا الصَّلَاةَ) (2)

- و نماز را بپا دارید.

و همین که نمازگزار اهتمام داشته باشد و مقيّد باشد که نماز را اول وقت بخواند فی حدّ نفسه آثار زیادی دارد، هر چند حضور قلب هم نباشد. (3)

پينوشتها:

1- بقره ، آيه 238.

2- همان ، آيه 42.

3- در محضر بزرگان ، محسن غرويان ، ص 99

داستان بیست یکم (۲۱)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يکی از اسراء نمازش که تمام شد ، سربازش عراقی صدایش کرد و گفت :

- شماها از نماز خواندن خسته نمی شوید؟ همیشه می بینم چند نفر در حال نماز هستند، حتی شبها و نیمه شبها، شما خواب ندارید؟

آن برادر با آرامش رو به سر باز عراقی کرد و جواب داد:

- ما به خاطر همین نماز اینجا اسیر شده ایم. نماز همه چیز ماست. نماز نور چشم ماست

رملهای تشنن، ص 84

داستان بیست دوم (۲۲)

### بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عراقی ها تصمیم گرفتند ما را به زیارت حرم حضرت علی و امام حسین - علیهم السلام - ببرند، اما وقتی نوبت به اردوگاه ما رسید کسی حاضر نشد در زیر پرچم صدام به زیارت برود. ما می گفتیم اگر ما را به زیارت می بردیم، چرا در شب عاشور، دو ماه پیش، با ما آن طور رفتار کردید؟

عراقی ها جواب می دادند که آن روز دستور داشتیم شما را بزنیم و امروز هم دستور رسیده که به هر طور ممکن شما را به زیارت ببریم، اما کسی به حرف بعضی ها گوش نداد و همه متعدد القول شدیم که زیر پرچم صدام به زیارت نرویم، زیرا آن ها می خواستند از این ماجرا علیه اسلام و انقلاب سوء استفاده کنند. دلیل دیگر این بود که گروهی را که قبل از ما به زیارت برده بودند به آن ها اجازه نداده بودند نماز صبح شان را بخوانند. این مسئله برای ما خیلی سخت بود و با این که یک عمر انتظار زیارت قبر ابا عبدالله الحسین (ع) را داشتیم اما نتوانستیم برای یک امر مستحب (زیارت)، یک امر واجب (نماز) را کنار بگذاریم.

---

بعد از این اتفاق، نگهبانان بعثی ما را بیش از یک ماه مورد ضرب و شتم قرار دادند و بیش از دویست نفر از دوستانمان را عربیان کردند و پس از کتک کاری و شکنجه، به ارودگاهی دیگر انتقال دادند و ما تا مدتی از آن ها بی خبر بودیم.

نقل از: نماز در اسارت، ص 31 - 32

داستان بیست سوم (۲۳)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یکی از بزرگان می گفت: در سفر به فرانسه از خانمی که مسلمان شده بود، پرسیدم: چگونه مسلمان شدید؟

گفت: من سال ها پیش مقیم الجزایر بودم، یک روز از جاده ای عبور می کردم که در کنار آن مزرعه ای بود. دیدم کسی رو به سمتی ایستاده و حرکاتی انجام می دهد. کنگکاو شدم و از دیگران پرسیدم: این حرکات چیست؟ گفتند: نماز می خواند. کنگاوتر شدم و سراغش رفتم، پرسیدم چه می کنی، چه می گویی و چه می خواهی؟

وقتی متوجه شدم که در اسلام ارتباط با خالق این اندازه آسان و این قدر عمیق و لطیف است، تکان خوردم و این بود علت اصلی مسلمان شدن من.

هزار و یک نکته درباره نماز، نکته 658

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

علّامه بزرگ سید شرف الدین جبل آملی رضوان الله تعالى عليه (1290 - 1377 هـ) گوید: یکی از مسیحیان ثروتمند لبنان نزد مأمور شده بخوان و گفت: می خواهم مسلمان شوم، وظیفه چیست؟ گفتم: دو رکعت نماز صبح بخوان و چهار رکعت نماز عصر.

پرسید: مسلمانان هفده رکعت نماز می خوانند! عرض کردم: مسلمانی آنها یک مقدار قوی شده است. از این رو پیامبر ﷺ را تازه مسلمانان - بنابر نقل تواریخ - خواندن دو رکعت نماز صبح و عصر را توصیه می نمودند. اکنون که شما مسلمان شده اید همین اعمال را انجام بدھید کافی است. کم کم این شخص تازه مسلمان قوی شد و به مساجد می رفت و مانند سایر مسلمانان، نمازهای پنجگانه را به جا می آورد.

تا اینکه ماه رمضان فرا رسید، ایشان سراسیمه نزد من آمد و گفت: آیا من هم باید روزه بگیرم؟ عرض کردم: خیر، روزه مربوط به مسلمانان قوی است. مسلمانان صدر اسلام، پس از مدت طولانی که از بعثت پیامبر گذشت به روزه گرفتن ماعمور شدند. گفت: می خواهم روزه بگیرم. گفتم: هر اندازه که آمادگی داری روزه بگیر.

همین روش باعث گردید که در سال دوم، تمام ماه رمضان را روزه گرفت و اکنون ایشان از مسلمانان نیرومند لبنان است، نماز شش ترک نمی شود و مهمترین بودجه و کمبودهایی مالی جنوب لبنان را تأمین می کند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آیة . . . العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی ؛ (1284 - 1365 ه . ق ) یکی از مراجع بزرگ تقلید و مقیم نجف اشرف بود از هندوستان خدمت آقا آمدند و جهت سرپرستی شیعیان آن دیار درخواست کردند که ، ایشان یکی از فضلای نجف را به آن کشور اعزام کند ، آقا یکی از طلاب فاضل را فرا خواند و اجازه نامه مفصلی در علم و دانش و فقه او نوشت و در ادامه نامه از شیعیان آن سامان درخواست کرد که وجود این عالم را مغتنم شمارند .

نامه را به دست روحانی داد و او متن اجازه را خواند ، و سپس رو به ایشان کرد و گفت : آقا من از جانب شما به بلاد هند می روم اما اگر از من مسئله مرجع تقلید را بپرسند من دیگری را برای مرجعیت معرفی می کنم زیرا شما را اعلم نمی دانم !

آقا با کمال ممتاز فرمودند :

((من شما را جهت تبلیغ فرهنگ نماز و حلال و حرام خدا به هندوستان می فرستم نه برای تبلیغ شخصیت و مرجعیت خودم !! ))

---

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مردم دسته از کوچه به طرف منزل سید می رفتد، کوچه شلوغ شده بود، شاگردان سید همگی به جشن آمده بودند. اما هیچ کس نمی دانست این جشن با شکوه به چه مناسبتی بر پاشده است. یکی از دیگری سؤال کرد: ما آخر ندانستیم این جشن برای چیست؟ و او گفت: راستش من هم نمی دانم، شاید عید است و فقط سید می داند. آخر ما همگی سید را می شناختیم، او شخص بزرگوار و عالمی است، حتماً یک حکمت و مسئله ای هست که ما نمی دانیم و او می داند.

تقریباً خانه پر شده بود و همگی با صلوات و خواندن شعر برای امامان (علیهم السلام) مشغول جشنی بودند که فقط سید می دانست برای چیست.

بعد از گذشت مدتی بالاخره طاقت شاگردان سید تمام شد. یکی از آنها پرسید: ببخشید استاد، ما مشغول جشن و سرور هستیم، ولی نمی دانیم مناسبت آن چیست، اگر لطف کنید و بفرمایید خوش حال تر می شویم.

تبسمی در چهره نورانی سید پدیدار گشت و گفت: در سال های قبل در چنین روزی بنده به سن پانزده سالگی رسیدم و از آن روز لیاقت پیدا کردم که خدای مهربان نماز و روزه را بر من واجب کند؛ یعنی انسان کامل شدم و از بچگی بیرون آدم. به خاطر این نعمت بزرگ، من در هر سال این روز را خیلی دوست دارم و جشن می گیرم، این مراسیم جشن تکلیف من است.

برگرفته از: داستان های نماز

داستان بیست هفتم (۲۷)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

---

ابو حمزه ثمالي گويد: على بن الحسين عليه السلام را در نماز دیدم که عبا از يك دوش او افتاد اما به افتادن آن توجهی نکرد تا اينکه از نماز فارغ گرديد.

از او سوال کردم چرا عبا را بر دوش خود نينداختيد.

حضرت فرمود: آيا مى داني در برابر چه کسی قرار گرفته ام. آن مقدار نماز بنه مورد قبول است که در آن حضور قلب دارد

بحارالنوار، ج 42، ص 66

داستان بيست هشتم (۲۸)

روى تختم دراز کشیدم، فرياد زدم، خدایا!

• من هر کاري که دوست داشتم انجام مى دادم... خيلي نوشتم، خيلي توليد کردم، پول زيادي به دست آوردم، تقریباً دنیا را گشتم... با این حال، نمی توانستم احساس کنم چیزی کم است.

• وقتی یک نفر مدام در تعقیب نگرانی است، زندگی چه فایده ای دارد؟ چگونه می توان از زندگی لذت بردن در حالی که غرق در بدبختی است؟ من طعمه نگرانی ها، توهمندی و مشکلات روانی بودم، اگرچه عادت داشتم وانمود کنم که خوشحال و راحت هستم.

• علیرغم تجملات مادی که تمدن ما در اختیار ما قرار می دهد، نمی تواند حتی کمترین اطمینان و محتوا را در اختیار ما قرار دهد.

• از جنبه های پیشرفت و تمدنی که ما در غرب از آن لذت می بریم گرفتار نشود. تمدن ما بیشتر شبیه تار عنکبوت است که به دلیل بیرونی اش تحسین مردم را به خود جلب می کند

زرق و برق، اگرچه در واقع یک تار عنکبوت شکننده است که می تواند به راحتی در باد منفجر شود.

• هر شب که به رختخواب می رفتم با یک سوال بیدار می شدم: من کی هستم؟ هدف از زندگی من چیست؟ یک شب زمستانی روی تختم دراز کشیده بودم، فریاد زدم خدایا! اگر آنجا هستید، حقیقت را به من نشان دهید. گروهی از مردان جوان آمریکایی بخشی از خانه من را اجاره کردند. بعد از اینکه معلوم شد بسیار خوب رفتار می کنند، شروع به مشاهده آنها کردم.

- 
- یک بار در سحر دیدم که وضو گرفتند سپس نماز جماعت می خواندند. نمی توانستم آرام بگیرم تا اینکه بلافصله پس از اتمام نماز از آنها نپرسیدم که چه کار می کنند؟ آنها برای من توضیح دادند که وضو و نماز در کنار برخی مفاهیم دیگر از اسلام چیست. حرف هایشان دلم را آرام کرد.
  - سوء ظن من به اطمینان، ترس من به نگرانی من به آرامش تبدیل شد. احساسی غیر قابل وصف را تجربه کردم.
  - همان لحظه که به توضیحات مسلمانان آمریکایی گوش دادم اسلام آوردم، سپس برای وضو گرفتن عجله کردم و نماز خواندم.
  - چشمانم را فریاد زدم، سپس به خواب رفتم که انگار تازه به من روح تازه ای داده اند.

---

• یک سال بعد برای ادای حج صغیری عازم عربستان شدم. در آن زمان شروع کردم به کار بر روی کتابم، یک عاشق ابدی... یک زن اروپایی طلسم شده توسط اسلام. من آن را در وین به پایان رساندم، جایی که در سال 1995 به زبان آلمانی منتشر شد.

• بشریت در دهه دوم قرن آینده شاهد یک تحول عظیم خواهد بود. مسلمانان دوباره در راس جهان خواهند بود. همه چیز به همان روزی که جبرئیل علیه السلام پیام خدا را به حضرت محمد صلی الله علیه و آله ابلاغ کرد، بر می گردد

(ایمان داکس، نویسنده اتریشی، مصاحبه با رشیده توبال، چاپ شده در مجله المنار کویت)

داستان بیست و نهم (۲۹)

مرگ در شب عروسی اش!!! [داستان واقعی]

او پس از خواندن نماز مغرب

آرایشش کرد، زیباییش را پوشید

لباس سفید خود را برای او آماده می کند

جشن عروسی، سپس او شنید

اذان عشاء و او متوجه شد

او به او گفت وضعی خود را شکست

مادر: «مادر، من باید برم درست کنم

وضو گرفتن و نماز عشاء

مادرش شوکه شد: «شما؟

دیوانه؟!! مهمانان منتظر شما هستند تا

بیینمت در مورد آرایش شما چطور؟ آن را

همه با آب شسته خواهند شد!!» سپس

او افزود:

«من مادر تو هستم و به تو دستور نمی دهم

الآن نماز بخوان! والله اگر شما

حالا وضعو بگیر، من از دستت عصبانی خواهم شد.»

دخترش پاسخ داد: «ولاهی نمی کنم

---

از اینجا برو بیرون تا من اجرا کنم

صلاح مادر باید اینو بدونی

«اطاعت از هیچ موجودی نیست

در نافرمانی خالق.»!!

مادرش گفت: ما چه می‌خواهیم

وقتی نشان می‌دهید مهمانان درباره شما می‌گویند

در جشن عروسی خود بدون

آرایش؟! تو زیبا نخواهی بود

چشمانشان! و مسخره خواهند کرد

تو!»

دختر با لبخند پرسید: "آری

تو نگران شدی چون من نخواهم بود

زیبا در چشم مخلوقات؟ چی

در مورد خالق من؟ من نگران هستم

چون اگر نماز را از دست بدhem، نخواهم بود

---

در چشمان او زیباست»

او شروع کرد به وضو گرفتن و تمام او

آرایش شسته شد، اما او

اهمیتی نداد

سپس نماز خود را آغاز کرد و در

لحظه‌ای که برای ساختن خم شد

سجود، او متوجه نشد که چنین خواهد شد

آخرین او!

بله! او در حال سجود درگذشت! چه

پایان عالی برای مسلمانی که

بر اطاعت پروردگارش اصرار داشت! بسیاری

افرادی که داستان او را شنیدند چنین بودند

لمس کرد!!

او و اطاعت او را در اولویت قرار داد

اولویت های او، پس او به او اعطای کرد

---

بهترین پایانی که هر مسلمانی انجام می دهد

داشتن

او می خواست به او نزدیک تر شود، پس او

روحش را در جایی برد که

مسلمانان نزدیکترین افراد به او هستند!

سبحان الله!

برايش مهم نبود که باشد

از نظر موجودات زیبا است

او از نظر او زیبا بود

خالق!

ای خواهر مسلمان، تصور کن اگر داخل هستی

جای او! چه خواهید کرد؟ چه خواهد شد

شما انتخاب می کنید: خلاقیت های دلپذیر یا شما

خالق؟

ای خواهر عزیز! آیا شما آن را تضمین می کنید

---

شما برای دقایق بعدی زندگی خواهید کرد؟

ساعت؟ ماه ها؟!!

هیچ کس نمی داند ساعت آنها کی خواهد بود

بیا؟ یا کی با فرشتگان ملاقات خواهند کرد

از مرگ؟ پس برای آن آماده اید؟

لحظه؟

ای خواهر بی حجاب! تو چیکار میکنی

انتخاب کن : خودت را راضی می کنی با نه

با حجاب یا جلب رضایت پرورده گارت

با حجاب؟

آیا برای ملاقات با او آماده هستید

حجاب؟

و چه در مورد شما، خواهی که "در

رابطه» یا «رابطه باز»،

آیا برای ملاقات پرورده گارت آماده ای؟

---

امروز؟ فردا؟!

چه لذتی از این دنیا یا

لذت های اخیرا؟

خداآوند همه ما را به آنچه می خواهد هدایت کند

او و هر که هست عطا کن

خواندن این خطوط پایان خوبی دارد،

آمین

نماز را در زمان فعلی نماز بخوانید

پسری با مادر بزرگش زندگی می کرد

هر گاه به او گفت برو نماز بخوان غمگین می شود و می گوید که او را خیلی اذیت می کند، چرا او را  
اذیت می کند.

روز به روز به نماز خواندن ادامه می دهد اما نه به موقع

او زمانی نماز می خواند که فقط یک ثانیه باقی بماند تا زمان نماز تمام شود.

---

برای چندین ماه به همین منوال ادامه دارد

روزی وقتی پسر 18 ساله به خواب رفت، در خواب دید که وقت قیامت است، فرشتگان آنجا بودند کسانی را که کار نیک انجام نمی‌دهند مجازات می‌کردند و نمازگزاران را نیز از بین اهل بدی جدا می‌کردند.

در خواب دید که اهل جنت به جنت می‌روند و اهل جهنم به سوی جهانم می‌روند و او از جمله کسانی است که به دنیا می‌روند.

گریه کرد، گریه کرد، گریه کرد و گریست.

یک فرشته غول پیکر غرش می‌کند و پسر را به جهاننام می‌اندازد و پسر را فریاد و فریاد می‌زند

وقتی یک دقیقه مانده بود تا به ته جهانم برسد، دستی او را بگیر

وقتی سرش را بلند کرد، پیرمرد خرسی سفیدی با لباس سفید دید

پسر پرسید: تو کی هستی؟

من نماز تو هستم پیرمرد خوش تیپ با لبخند جواب داد

در حالی که یک دقیقه به وقت من مانده بود اجرا می‌کنی، به همین دلیل من می‌آیم تا تو را نجات بدhem، زمانی که یک دقیقه مانده بود که تو در آتش جهنم بیفتی.

وقتی پسر از خواب بیدار می‌شود از خوابش می‌ترسد به سمت مادر بزرگش می‌دود و گریه می‌کند و همه چیزهایی را که در خواب دیده است به او می‌گوید.

چون در آن زمان نماز خود را به درستی در وقت نماز می‌خواند و دقیقه ای اضافه نمی‌کرد.

پس اگر می‌خواهیم نمازمان به موقع ما را نجات دهد، باید به موقع نمازمان را بخوانیم

---

به همین دلیل است که خداوند نافع ترین مهربان می فرماید

إن الصلاة كانت على المؤمنين كتاباً موقوتاً

تمت بحمد الله

● منابع

١\_ القرآن الكريم

٢\_ كنز العمال\_ متقدى لخندى

٣\_ بحار الأنوار\_ مجلسى

٤\_ وسائل الشيعة \_ حر العاملى

٥\_ نهج البلاغه \_ ترجمه دکتر شهیدی

سخن بسیار دارم در دل اما چه بی پایان \*\* سخن هایم شنو یارب و درد دل مداوا کن

آیه ۲۳۸ سوره بقره

«حَفِظُوا عَلَى الصَّلَاةِ وَالصَّلَادَةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَاتِنِينَ»؛ بر نمازها مواظبت و توجه كامل داشته باشید و به خصوص نماز وسطی (صبح) و به طاعت خدا قیام کنید.

آیه ۷۸ سوره اسراء

«أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا»؛ نماز را وقت زوال آفتاب تا اول تاریکی شب به پا دار (یعنی نماز ظهرين را از اول ظهر و نماز عشائين را از بدو

---

این سخن پایان ندارد ای جواد \*\* ختم کن والله اعلم بالرشاد

(مولوی)

بنده فقیر، محتاج عفو پروردگار

سجاد سلیمانی (نیجریه)

تمّت بحمد الله (2024 December- 15)

تاریکی شب به پا دار) و نماز صبح را نیز به جای آر که آن نماز به حقیقت مشهود (نظر فرشتگان شب و فرشتگان روز) است.

#### آیه ۸۷ سوره یونس

«وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّأ لِقَوْمَكُمَا بِمِصْرَ بِيُوْنَاتٍ وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قَبْلَهٗ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ»؛ و به موسی و برادرش (هارون) وحی کردیم که شما برای پیرواندان در شهر مصر منزل گیرید و (اکنون که از بیم فرعونیان به مساجد نتوانید رفت)، خانه‌هایتان را قبله و معبد خود قرار دهید و نماز به پا دارید و (تو هم ای رسول) مؤمنان را (به فتح در دنیا و بهشت در آخرت) بشارت ده.

#### آیه ۱۴ سوره طه

«إِنَّنِي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»؛ منم خدای یکتا که هیچ خدایی جز من نیست، پس مرا (به یگانگی) بپرست و نماز را مخصوصا برای یاد من به پادار.

#### آیه ۹ سوره مؤمنون

«وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَواتِهِمْ يُحَافِظُونَ»؛ و آنان که بر نماز هاشان (و همه اوقات و شرایط ظاهر و باطن نماز) محافظت دارند.

#### آیه ۷۳ سوره انبیا

«وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْحَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةَ وَإِيتَاءَ الزَّكَاهِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ»؛ و آنان را پیشوای مردم ساختیم تا (خلق را) به امر ما هدایت کنند و هر کار نیکو را (از انواع عبادات و خیرات) و خصوص اقامه نماز و اداء زکات را به آنها وحی کردیم و آنها هم به عبادت ما پرداختند.

#### آیه ۳۱ سوره روم

«مُنَبِّهِينَ إِلَيْهِ وَأَنْتُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ»؛ (شما اهل ایمان با پیروی همین دین فطرت) به درگاه خدا باز آیید و خدا ترس باشید و نماز به پا دارید و هرگز از فرقه مشرکان نباشید.

آیه ۵۶ سوره نور

«وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَأَنُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»؛ و نماز را به پا دارید و زکات بدھید و رسول ما را اطاعت کنید، باشد که مورد لطف و رحمت شوید.

آیه ۱۱۰ سوره بقره

«وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَأَنُوا الزَّكَاةَ وَمَا تُقْدِمُوا لِأَنفُسِكُمْ مِنْ حَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»؛ و نماز به پا دارید و زکات بدھید و بدانید که هر چه از اطاعت حق و کار نیکو برای خود پیش می‌فرستید آن را در نزد خدا خواهید یافت، که محققان خداوند به هر کار شما بیناست.

۲- آیاتی که با اوقات نماز اشاره دارند